جامعة المصطفى العالمية
Al-Mustafa International University
مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث

دو فصلنامه علمی قرآن و علم، سال شانزدهم، شماره ۳۱، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، ص: ۷۶-۱۰۸
Academic Journal of the Qur'an and Science, Fall and Winter ۲۰۲۳, ۱۶(۳۱), P:۷۶-۱۰۸

Investigation of the Epistemology of the School of Human Relations Management from the Perspective of the Holy Quran*

Abdul Moumin Hakimi [۱]
Seyyed Eisa Mostarhami [۲]
Abdullah Tavakkoli [۳]

Abstract

Epistemology is a scale and measurement criterion. In the science of the school of human relations management, the quality of organizational phenomena is measured by science and the position of science itself is also measured by epistemology. Epistemology is related to understanding the roots, contexts, nature and validity of sciences. Therefore, among the foundations of the mentioned school, one of the most important ones is epistemology as the axis and circuit of analysis of many management processes and organizational issues, without its correct understanding, organizations may face a serious challenge in facing individuals and also, the direction of their behavior in the organization should be faced. Epistemology in the mentioned school is formed from four components namely nature, subject, tool, source and validity, which are examined and criticized in this article using the inferential (*istintaqi*) method. The findings of the research indicate that the Holy Quran did not consider only reliance on reason and human findings to be sufficient for knowledge, and that experience, sense and induction are the first steps for complete and sure knowledge, which relies on heart faith, intellectual and narrative proofs (Quran and Sunnah) which has a realistic nature with two vertical views (with the Creator) and horizontal (the behavior of the creature and the whole being); from the Quran's point of view, the tools of knowledge are not only inductive, such as observation and experiment, based on human behavior; rather, its sources have a wide range such as revelation, reason, heart, sense and the whole existence, which has unlimited validity and has a different point of view compared to the mentioned school.

Keywords: Holy Quran, Epistemology, Management, Organization, School of human Relations Management

*. **Date of receiving**: January ۳۱, ۲۰۲۲, **Date of approval**: August ۱۶, ۲۰۲۲.

۱.PhD, Quran and Management Science, Qur'an and Hadith complex Al-Mustafa International University; (Corresponding Author) (mohammadiya۲۰۲۰@gmail.com).

۲.Assistant Professor at Al-Mustafa International University, Qom, Iran; (dr.mostarhami@chmail.ir).

۳.Member of the Faculty of the Institute of Hawzah (Seminary) and University, Qom, Iran; (atavakkoli@rihu.ac.ir).

جامعة المصطفى العالمية
Al-Mustafa International University
مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث

دو فصلنامه علمی قرآن و علم، سال شانزدهم، شماره ۳۱، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، ص: ۷۶-۱۰۸
Academic Journal of the Qur'an and Science, Fall and Winter ۲۰۲۳, ۱۶(۳۱), P:۷۶-۱۰۸

مقاله علمی ـ پژوهشی

بررسی معرفت‌شناسی مکتب مدیریت روابط انسانی از منظر قرآن کریم*

عبدالمومن حکیمی [۱] سید عیسی مسترحمی [۲] عبدالله توکلی [۳]

چکیده

معرفت‌شناسی، ترازو و معیار سنجش است. در دانش مکتب مدیریت روابط انسانی، عیار پدیده‌های سازمانی با علم سنجش، و جایگاه خود علم نیز با معرفت‌شناسی (اپیستمولوژی) سنجیده می‌شود. معرفت‌شناسی با درک ریشه‌ها، زمینه‌ها، ماهت و اعتبار دانش در ارتباط است. ازاین‌رو، از میان مبانی مکتب یادشده، یکی از مهم‌ترین آنها، معرفت‌شناسی به‌عنوان محور و مدار تحلیل بسیاری فرآیندهای مدیریتی و مسائل سازمانی است که بدون شناخت صحیح آن شاید سازمان‌ها با چالش جدی در مواجهه با افراد و نیز جهت ده رفتارهای آنها در سازمان مواجه شود. معرفت‌شناسی در مکتب مزبور از چهار مؤلفه به نام‌های ماهت، موضوع، ابزار، منبع و اعتبار شکل یافته که در این مقاله با بهره‌گیری از روش استنطاقی مورد بررسی و نقد گرفته است. یافته های پژوهش نشان می‌دهد قرآن کریم تنها اتکاء به عقل و یافته‌های بشری را برای شناخت کافی ندانسته و تجربه، حس و استقرا را گام‌های مقدمی برای شناخت کامل و مطمئن که متکی بر ایمان قلبی، برهان‌های عقلی و نقلی (قرآن و سنت) که دارای ماهت واقع‌نمایانه با دو نگاه عمودی (با خالق) و افقی (رفتارهای جوارحی و جوانحی مخلوق و تمام هستی) می‌داند. از نگاه قرآن ابزارهای شناخت تنها استقرایی نظیر مشاهده و آزمایش مبتنی بر رفتارهای انسان نیست؛ بلکه منابع آن دارای گستره فراوانی همچون وحی، عقل، قلب، حس و تمام هستی است که دارای اعتبار نامحدود و نسبت به مکتب مذکور دارای دیدگاه متفاوت است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، معرفت‌شناسی، مدیریت، سازمان، مکتب مدیریت روابط انسانی.

---

*. **تاریخ دریافت:** ۱۴۰۰/۱۱/۱۱ و **تاریخ تأیید:** ۱۴۰۱/۰۵/۲۵.

۱. دانش آموخته دکتری قرآن و علوم گرایش مدیریت، مجتمع عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه (از کشور افغانستان) قم، ایران،[نویسنده مسئول]؛ (mohammadiya۲۰۲۰@gmail.com).
۲. استادیار جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران ؛ (dr.mostarhami@chmail.ir).
۳. عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران ؛ (atavakkoli@rihu.ac.ir).

بیان مسئله

شاید بتوان ادعا کرد یکی از دلایل وجود نظریه‌های تناقض‌نما در هر رشته علمی مثل دانش سازمان و مدیریت، نامشخص بودن بنیان‌ها و مبانی آن باشد. راه برون‌رفت از این مشکل، توجه به مبانی فکری و اصول بنیادین این نظریه‌ها و دستیابی به یک طرح نظری جامع در این زمینه است. به دیگر سخن، برای شناخت عمیق و نیز نقد نظریه‌ها، افزون بر درک صحیح از اندیشمندان و نظریه‌های آنان، سرچشمه‌های پیدایش و زایش فکری آن‌ها مورد مداقه قرار بگیرد؛ زیرا همچنان که معرفت نسبت به یک رشته علمی بدون مطالعه و شناخت صحیح آن امکان‌پذیر نیست، درک نظریه‌های آن رشته هم بدون درک مبانی و منشأهای آن امکان‌پذیر نیست (میرزایی‌اهرنجانی، زمینه‌های روش‌شناختی تئوری سازمان، ۱۳۸٦: ٤). از میان مبانی مختلفی که نظریه‌های مکتب مدیریت روابط انسانی بر آن‌ها مبتنی است، مبانی معرفت‌شناسی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

در این میان، تشخیص ماهت، موضوع، ابزار، منبع و اعتبار معرفت‌شناسی و جایگاه آن در چارچوب نظام ارزشیِ مکتب مدیریت روابط انسانی، مهم و قابل تأمل است، ولی مهم‌تر از آن، کشف و تبیین مبانی معرفت‌شناسی از منظر آموزه‌های وحیانی است که با کاربست روش استنطاقی به‌عنوان پرسش اساسی بر ساحت قدسی قرآن کریم عرضه و پاسخ آن برداشت و در این مقاله ارائه می‌شود.

الف. مفهوم‌شناسی

۱. نقد

واژه «نقد» (Critic) در اصل به معنای ظهور و بروز دادن چیزی (ابن‌فارس، معجم مقائیس اللغة، ۱٤۰٤: ٤٦۷/٥)، تمییز کردن چیز خوب از چیز بد آمده است (جوهری، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، ۱٤۱۰: ٥٤٤/۲) و در اصطلاح، دانشی است که به ارزیابی و توصیف شاخص‌های معرفت و شناخت آثار مکتوب و علمی می‌پردازد و جهت‌گیری اصلی آن، قضاوت و داوری بر شناخت لغزش‌ها، کاستی‌ها و عیب‌ها و نیز زیبایی‌ها و خوبی‌های یک متن است (میرصادقی، واژه‌نامه هنر شاعری: فرهنگ تفصیلی اصلاحات فن شعر و سبک‌ها و مکتب‌های آن، ۱۳۸۹: ۷۱۲)

۲. مکتب

واژه «مکتب» (School) ازلحاظ لغوی به معنای مصدر میمی (کتابت و نوشتن) و بیشتر به معنای اسم مکان یعنی «مکان نگارش و آموزش» به کار می‌رود (ابن‌منظور، لسان العرب، ۱٤۱٤: ٦۹۹/۱). این واژه پس از رنسانس و آغاز تحولات علمی به کار گرفته شده است (ضیائی‌فر، پیش‌درآمدی بر مکتب‌شناسی فقه، ۱۳۸٥: ۱٦٦)؛ و به معنای مجموعه‌ای از اندیشه‌ها و نظریه‌های علمی نظام‌یافته‌ای است که به یکی از اندیشمندان یا مجموعه‌ای از دانشمندان هم نظر تعلق دارد (حسنی و علی‌پور، جایگاه‌شناسی علم اصول، ۱۳۸٥: ۱۳۲/۱؛ مطهری، مجموعه آثار، ۱۳۷۸: ٥۳/۲).

۳. مدیریت

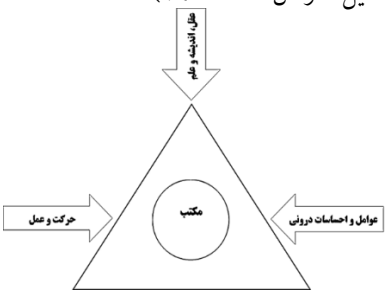
مدیریت (Management) فراگرد به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی بر مبنای یک نظام ارزشی پذیرفته شده است که از طریق برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت، و کنترل عملیات برای دستیابی به اهداف تعیین شده، صورت می‌گیرد (رضائیان، مبانی سازمان و مدیریت، ۱۳۹۲: ۸).

۴. معرفت‌شناسی

معرفت‌شناسی (Epistemology) به مطالعه فلسفه ماهت، منابع، قلمرو، موضوع و اعتبار شناخت می‌پردازد (موزر، درآمدی موضوعی بر معرفت‌شناسی معاصر، ۱۳۸۵: ۱۹). معرفت‌شناسی به ارائه واقعیت (مطهری، مجموعه آثار، ۱۳۷۸: ٤٦٧/١٣)، آگاهی از واقعیت (جوادی‌آملی، معرفت‌شناسی در قرآن، ۱۳۸٤: ۸۷)، نوع خاصی از مهارت (Colin, The Concept of Knowledge Midwest Studies in philosophy, ۱۹۸٤: ٥٤)، آشنا شدن با چیزی یا کسی و یا اطلاعات (لرر، نظریه معرفت، ۱۳۹٦: ۳۳-۳٤)؛ که پدیده ارزشمند بوده (همان: ۲۹)؛ و به دنبال پاسخ‌گویی به پرسش‌های نظیر نوع، کیفیت، چگونگی و ابزار دانستن (نوریس، شناخت‌شناسی مفاهم کلیدی در فلسفه، ۱۳۸۹: ۱۱)؛ و چگونگی تولید دانش، معیارهای تمایز دانش خوب از بد و چگونگی نمایش و توصیف واقعیت است (جوهج، تئوری سازمان؛ مدرن، نمادین- تفسیری و پست مدرن، ۱۳۸۹: ٤۳).

۵. مکتب مدیریت روابط انسانی

مدیریت روابط انسانی (Human relations management) عبارت است از ایجاد، نگهداری، گسترش تعامل پویا و تفاهم عاطفی میان افراد تا با دلگرمی، رضایت خاطر و روحیه مطلوب در جهت نیل به هدف‌های سازمان، رشد و توسعه آن همکاری و مشارکت فعال داشته باشند (بهارستان و اعتمادی، ۱۳٦۱: ۲۳/۲٥)؛ و مقصود از مکتب مدیریت روابط انسانی (School of Human Relations Management)، مجموعه‌ای از نظریه‌هایی (آبراهام مازلو، داگلاس مگ گریگور و کریس آرجریس) است که در مبانی و پیش‌فرض‌هایی (پارادایم) اشتراک داشته و دوره زمانی خاصی (۱۹۲۰-۱۹٥۰) را پوشش می‌دهد (بوریل و مورگان، نظریه‌های کلان جامعه‌شناختی و تجزیه و تحلیل سازمان، ۱۳۸۳: ۲٤).



نمودار (۱): عنصرهای سازنده مکتب (جمشیدی و ایرانژاد، ۱۳۹۱: ۹۳/۲۹)

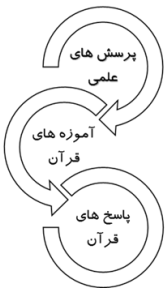
ب. روش‌شناسی

واژه «استنطاق» » با ریشه (نطق) مصدر باب استفعال از ریشه «نطق» به معنای «طلب نطق کردن» (طریحی، مجمع البحرین، ١٤١٦: ٢٣٨/٥؛ راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ١٤١٢: ٥١٢)، تبیین و توضیح (فیومی، مصباح المنیر، ١٤١٤: ١١/٢)؛ که دارای ریشه واحد به معنای آشکار کردن باطن به‌واسطه ظاهر (سخن، صدا و حالت در انسان و حیوان و غیر آن در عالم مادی و غیر مادی) است (مصطفوی، التحقیق، ١٤٣٠: ١٦٢/١٢).

بر پایه معانی لغوی ذکر شده، کلمه «استنطاق» مثل آن است که سؤال شونده، ساکت و صامت است که به آسانی سخن نمی‌گوید. ازاین‌رو، برای گرفتن جواب پرسش با پافشاری و اصرار، پاسخ‌ها را از وی کشف و استخراج کرد (ابن‌فارس، معجم مقائیس اللغة، ١٤٠٤: ٣٠٣/٥). با لحاظ کردن معنای لغوی به نطق در آوردن کلام خدا که خود کتاب صامت است در اصطلاح دانش تفسیر استنطاق نامیده می‌شود (طباطبایی، المیزان، ١٤١٧: ٦٥/١).

در میان صاحب‌نظران و قرآن‌پژوهان در مورد تمایز و تفاوت آن با استنباط و تفسیر (اعم از موضوعی و ترتیبی) و اینکه چه کسی با چه توان و مهارتی توانایی به نطق در آوردن قرآن کریم را دارد اختلاف آراء جدی وجود دارد (ایزدی و اخوان‌مقدم، «ضرورت، ماهت و روش استنطاق از منظر روایات اهل‌بیت علیه‌السلام»، ١٣٩٢: ١٠٥/٢) ازاین‌رو، برخی مفسران استنطاق را معادل تفسیر قرآن به قرآن (طباطبایی، المیزان، ١٤١٧: ١٥/١)؛ برخی از معاصران آن را معادل تأویل و معانی باطنی (جوادی‌آملی، قرآن در کلام علی (ع)، ١٣٨٦: ١١٥)؛ بعضی آن را معادل استنباط (معرفت، التفسیر الاثری الجامع، ١٣٨٧: ١٩/١)؛ و برخی آن را معادل تفسیر موضوعی (شاکر، مبانی و روش‌های تفسیری، ١٣٨٩: ٩٧) معرفی کرده‌اند.

از منظر شهد صدر مقصود از استنطاق به این معنا آن است که پژوهشگر باید توانایی این را داشته باشد که ضمن بررسی و مطالعه وضعیت جامعه هر عصر و زمانی، مسائل و موضوعات آن را کشف و استخراج کند و پس از آن آن‌ها را به صورت پرسش‌های منظم به ساحت قدسی قرآن کریم عرضه نماید و از آموزه‌های وحیانی پاسخ آن‌ها را دریافت کند (صدر، المدرسة القرآنیة، ١٤٢٤: ٢٨) و در تأیید روش یادشده به سخن حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) استناد می‌کند که فرمود: «ذَلِک الْقُرْآنُ، فَاسْتَنْطِقُوهُ» (شریف رضی، نهج البلاغه، خطبه ٢٥٨)؛ از قرآن بخواهید تا سخن گوید.



نمودار (٢): فرآیند پژوهش با ابزار استنطاقی (محقق ساخته)

ج. ادبیات و پیشینه علمی

۱. مکتب مدیریت روابط انسانی

دانش سازمان و مدیریت از پیشینه به درازی تاریخ زندگی اجتماعی انسان‌ها بر می‌گردد، ولی دسته‌بندی تاریخی آن نشان می‌دهد که فعالیت‌ها و مسائلی که با پسوند مدیریتی از آن‌ها یاد می‌شود؛ مثل نظام‌های اداری یا مدیریتی سومری‌ها، مصری‌ها، ایرانیان باستان، ساخت اهرام ثلاثه مصر، دیوار چین و ... که از عهد قدیم و آغاز تاریخ بشر تا سال ۱۸۸۰ مطرح بوده است، جنبه آموزشی نداشته و فاقد ادبیات علمی است؛ بلکه رفتارها و عملکردهای مدیریتی مانند دیگر رفتارهای اجتماعی از طریق تجربه‌ها و عملکردهای نسل پیشین به نسل‌های پسین منتقل شده است (الوانی، مدیریت عمومی، ۱۳۹۸: ۱۵-۱۶)؛ ولی آنچه در این عصر با عنوان علم سازمان یا مدیریت مطرح است، به دوره‌ای باز می‌گردد که با تولید علم و عرضه نظریه‌های مختلف، دانش مدیریت در کنار دیگر علوم به‌عنوان رشته علمی مطرح شد. بر اساس یافته‌های تاریخ سرآغاز علمی مدیریت به دوران پایانی سده نوزده میلادی و آغاز قرن بیستم بر می‌گردد (کنتز و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۲)

نظریه‌های نخستین مکاتب مدیریتی با نگاه عقلایی به سازمان پدید آمدند. این نظریه‌ها، سازمان را به‌عنوان ابزار دستیابی به هدف با دو ویژگی خاص یعنی «تعیّن هدف» و «رسمیّت» می‌پنداشتند (اسکات، سازمان‌ها سیستم‌های عقلایی، طبیعی و باز، ۱۹۹۲: ۳٤). در سال ۱۹۵۷ زمانی که مفروضات اساسی درباره ارتباط بین سازمان‌ها و افراد واقعاً شروع به تغییر کرد، مکتب روابط انسانی مطرح شد. ازاین‌رو، تمرکز به جای روی کار، بر رفتار افراد، گروه‌ها، و روابط بین آن‌ها و محیط سازمانی قرار گرفت (Argyris, Review of increasing leadership effectiveness, Contemporary psychology, ۱۹۷۰).

یکی از مهم‌ترین مجموعه رخدادهایی که پیش از ظهور آگاهانه مکتب مدیریت روابط انسانی به وقوع پیوست و خبر از تکوین این مکتب می‌داد، کار چندین ساله‌ای بود که توسط تیم التون مایو در یکی از کارخانه‌های شرکت وسترن الکتریک، واقع در منطقه هاثورن، در سال ۱۹۲۷ آغاز شد (مایو، ۱۹۳۳) و تنها پس از موفقیت این تیم بود که مایو به‌عنوان «پدر» مکتب مدیریت روابط انسانی و فراهم کننده زمینه پیدایش آن شناخته شد (شفریتز، ۱۳۷۷: ۷۰).

پس از تحقیقات هاثورن، بحث‌های انگیزشی رفتار کارکنان در سازمان توسط آبراهام مازلو طرح گردید. سلسله مراتب نیازهای وی، هم ردیف مطالعات هاثورن و تئوری x و y داگلاس مگ گریگور به‌عنوان نقطه عطف مطالعه انگیزش در سازمان‌ها قرار می‌گیرد. مازلو نظریه خود را در سال ۱۹٤۳ تحت عنوان مقاله «یک نظریه انگیزش از انسان» ارائه کرد (همان: ۷۲).

بین سال‌های ۱۹۵۷ و ۱۹٦۰، مکتب مدیریت روابط انسانی به معنای واقعیِ کلمه، در صحنه نظریه‌های سازمان فراگیر شد. در نهم آوریل ۱۹۵۷ داگلاس مگ گریگور با سخنرانی در مدرسه مدیریت صنعتیِ مؤسسه فنآوریِ ماساچوست با عنوان «جنبه انسانیِ سازمان» دو دسته مفروضات مدیریتیِ مقابل هم، عنوان نظریه x و y را برگزید. مگ گریگور با ارائه این نظریه مفروضات اساسیِ مکتب مدیریت روابط انسانی را تبیین کرد (همان:

.(۷۳

در نهایت کریس آرجریس که تحقیقات اولیه وی بر ساختار سازمان‌های رسمی و سیستم‌های کنترل و مدیریت متمرکز بود با نوشتن کتاب‌های «شخصیت و سازمان» و «ادغام فرد و سازمان» ایده اصلی خویش را تحت عنوان «شخصیت افراد سازمانی» ارائه کرد (Argyris, Review of increasing leadership effectiveness, Contemporary psychology, ۱۹۷۰ ۲/٤/۸۷٤-۸۷۸).



نمودار (۳): سیر تحول مکاتب مدیریت

۲. معرفت‌شناسی

معرفت‌شناسی در بستر دانش‌های گوناگون از قدمت طولانی برخوردار بوده و در بازه زمانی به اندازه تاریخ علم مورد مطالعه و کنکاش قرار گرفته است (قلی‌پور،«شناخت‌شناسی سازمانی»، ۱۳۸۱: ۲۲۱/۱۳). تمام دانشمندان سازمانی به صورت صریح یا ضمنی با زمینه‌های دانش و کیفیت درک و فهم انسان نسبت به پدیده‌ها سروکار دارد و به تعبیری معرفت را واقعی و قابل‌انتقال در شکل ملموس به‌صورت ذهنی، معنوی و حتی فوق طبیعی می‌دانند (همان: ۱۰). درک از ماهت انسانی و اینکه موجود مختار و یا مجبور است؟ (همان: ۱۱)، فهم نسبت به ارزش‌شناسی که به نوع نگاه دانشمندان به انسان بر می‌گردد (خسروپناه، در جستجوی علوم انسانی اسلامی، ۱۳۹۳: ۱۱۲)؛ و معرفت به اینکه در جامعه‌شناسی اصالت و محوریت فرد است یا جامعه؟(همان: ۱۱۳) بر معرفت انسان استوار است.

یک. ماهت معرفت‌شناسی

به صورت کلی ماهت معرفت‌شناسی نظریه‌های سازمان و مدیریت دارای رویکردهایی همچون: الف. معرفت‌شناسی اثبات‌گرایی به‌عنوان یک دیدگاه سنتی حاکم بر رهافت‌های علوم طبیعی (بوریل و مورگان،نظریه‌های کلان جامعه‌شناختی و تجزیه و تحلیل سازمان، ۱۳۸۳: ۱۵)؛ که به معرفت عینی و حسی اصالت داده و تنها گزاره‌هایی را معنادار می‌داند که از ما به ازای خارجی برخودار باشند و اعتبار علوم و عینیت بخشیدن به آن را صرفاً از طریق روش تجربی امکان‌پذیر دانسته است (علی‌پور، پارادایم اجتهادی دانش دینی، ۱۳۸۹: ٤۰)؛ معرفت‌شناسی ضداثبات‌گرایی که بر مبنای آن دانش‌هایی مانند علم سازمان و مدیریت از آن

جهت که از ماهیت نسبی برخودار است (همان: ١٦)، باید متمایز از علوم طبیعی مورد مطالعه قرار گیرد؛ زیرا میان علوم اجتماعی مانند نظریه‌های سازمان و مدیریت و علوم طبیعی تفاوت ماهوی وجود دارد؛ زیرا منبع معرفت، تنها عقل نبوده؛ بلکه حیات انسانی از شاخص‌ترین منابع دانش است که به فراموشی دچار شده است (همان: ٤١)؛ ب. معرفت‌شناسی ساختار شکن که بر اساس این رویکرد اتکای محض به رویکرد ضد اثبات‌گرایی و تفسیری عاری از تبارشناسی تاریخی را ناقص و ناتمام می‌داند (گریزری، نقدی بر دانش مدیریت (پژوهش مدیریتی و دانش مدیریت)، ۱۳۸۹: ۱۲۳-۲۱۰). به دیگر سخن، این رویکرد از یکسو، برخلاف رویکرد اثبات‌گرایی (پژوهشگران از توانایی داوری درزمینه واقعیت‌ها برخودار بود و می‌توانند به ایده‌های مستقل از هر نوع ارزش داوری برسند)، به این باور است که ایده‌ها صرفاً در بستر ارتباط با شرایط تاریخی به‌دست‌آمده و معنا می‌یابد (گائینی، درسنامه مبانی معرفت‌شناسی تئوری‌های سازمان ومدیریت، ۱۳۹۰: ۱۱۸)؛ و از سویی دیگر، در برابر رویکرد تفسیری (ترکیب دیدگاه‌ها برای دست یازیدن به چهره کلی و منسجمی از جهان)، معتقد است ادراک‌ها و فهم‌ها همانند بستر تاریخی‌شان در حال تغییر مداوم و پویا است، ازاین‌رو، امکان انسجام و یکپارچه‌سازی اندیشه‌ها امکان‌پذیر نیست (همان: ۱۱۹).

دو.موضوع معرفت‌شناسی

موضوع معرفت ممکن است عینی و قابل لمس یا ذهنی و غیرملموس باشد (میرزائی‌اهرنجانی و سرلک، «نگاهی به معرفت شانسی سازمانی: سیر تحول، مکاتب و کاربردهای مدیریتی»، ١٣٨٤: ٧٠). موضوع شناخت در نظریه‌های مکتب مدیریت روابط انسانی، رفتار انسانی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر حیاتی سازمان است که اتخاذ تصمیم‌های درست مبتنی بر شناخت درست از رفتار انسان و محیط فعالیت وی است (نیکواقبال، «نظریه اقتضا: تأثیر متغیرهای نوعی موقعیت در ساختار سازمانی»، ۱۳۸۷: ٤٥-٥٢/٤٦).

مکتب مذکور منعکس‌کننده تلاش‌هایی است که مدل‌های مختلف انسان را با نظریه‌ای اساساً جبری در رفتار کاری که بیانگر مرز عینی‌گرای پارادایم کارکردگراست مرتبط می‌سازد (بوریل و مورگان،نظریه‌های کلان جامعه‌شناختی و تجزیه و تحلیل سازمان، ۱۳۸۳: ۱۸۰-۱۸۱).

بنابراین از نظر موضوع، مکتب یادشده بر ماهت معرفتی عینی‌گرا استوار است که بر اساس رویکرد اثبات‌گرا (Positivist) تنها آنچه از قابلیت تجربه حسی و آزمایش برخودار است (اوریت و فیشر، نگاه انتقادی به معرفت‌شناسی جدید، ۱۳۹۰: ٤٤). معرفت به حساب می‌آید (معلمی، نگاه به معرفت‌شناسی در فلسفه غرب، ۱۳۸۰: ۱۷۳). ازاین‌رو، نظریه‌پردازان مکتب مزبور بر این باورند که سازمان و عناصر آن موجودیت‌های ملموس، واقعی و قابل مطالعه بوده (گائینی، درسنامه مبانی معرفت‌شناسی تئوری‌های سازمان ومدیریت، ۱۳۹۰: ٦٣)؛ و امکان تحلیل و تبیین آن‌ها از طریق طبقه‌بندی و اندازه‌گیری علمی (تجربی) (جوهج، تئوری سازمان؛ مدرن، نمادین- تفسیری و پست مدرن، ۱۳۸۹: ٤٣)؛ و ادراک حسی (کاسلو و همکاران، مفاهم بنیادین در معرفت‌شناسی، ۱۳۸۳: ۹۲)، وجود دارد. با این وجود، این مکتب با اتکا بر ماهت عینی‌گرا، به‌شناختی فراتر از حواس پنج‌گانه راه پیدا نکرده و در محدوده طبیعت برای رسیدن انسان به حداکثر سود دنیوی

(علیـزاده و همکـاران، جامعه‌شناسـی معرفـت: جسـتاری در تبیـین رابطـه «سـاخت و کـنش اجتمـاعی» و «معرفت‌های بشری»، ۱۳۸۳: ۱۰۸)؛ چرخیده و به شـعار تجربـه‌گرایان: «هـیچ پدیـده‌ای در عقـل نیسـت کـه پیشاپیش در حواس نبوده باشد» (مارتین، معرفت‌شناسی در باب شک، شناخت و آگـاه، ۱۳۹۵: ۱۵۲)؛ جامـه عمل پوشانده است. چه این‌که مازلو، کریس آرجریس و... بر شناخت انسـان و نیازهـا و اسـتعدادهای بـالقوه، توسعه و شکوفایی مادی او تأکید کرده است (میرکمالی، فلسفه مدیریت، ۱۳۹۲: ۱٤۷).

سه. ابزار معرفت‌شناسی

از آنجایی که نقطه تمرکز در نظریه‌های مکتب مدیریت روابط انسانی به جای سـاختار، روی رفتـار انسـان است، می‌توان گفت ابزار شناخت، استقرائی در رفتارهای انسان سازمانی اسـت (میرزائی‌اهرنجـانی و سـرلک، «نگاهی به معرفت شانسی سازمانی: سیر تحول، مکاتب و کاربردهای مدیریتی»، ۱۳۸٤: ۷۲/۳)؛ زیرا سازمان کلیت فنی – اجتماعی است که از واحدهای گوناگون شکل یافته (امیرکبیری، رویکردهای سازمان و مـدیریت و رفتار سازمانی، ۱۳۹٤: ۲۰۲)؛ که عامل انسانی از مهم‌ترین عوامـل تأثیرگـذار در رسـیدن سـازمان بـه اهـداف سازمانی است. ازاین‌رو، از منظر پال و هرسی بلانچارد مدیران سـازمان بـرای اثربخشـی سـازمان مرتـب بایـد روش‌های خود را در تعامل با افراد سازمان تغییر دهند (قاسمی، مدیریت رفتار سازمانی، ۱۳۹۰: ٤٦۵).

چهار. منبع معرفت‌شناسی

برای معرفت‌شناسی منابع مختلفی همچـون طبیعـت و عـالم هسـتی، عقـل و خـرد، قلـب و دل و تـاریخ (مطهری، ۱۳۹۲: ۳۷۷/۱۳-۳۸٤) و تجربه حسی شهود، وحی، الهام (میرزائی‌اهرنجانی و سرلک، «نگاهی به معرفت شانسی سازمانی: سیر تحول، مکاتب و کاربردهای مدیریتی»، ۱۳۸٤: ۱/۳). آگاه‌های پیشین و مراجعه به گفته‌ها و نوشته‌های دیگران (اوریت وفیشر، نگاه انتقادی به معرفت‌شناسی جدید، ۱۳۹۰: ٤۷-٤۸)، معرفـی شده است؛ ولی مرور نظریه‌های مکتب مدیریت روابط انسانی نشان می‌دهد که منبع شناخت، افـزون بـر عقـل ابـزاری، عینـی و واقـع‌گرا بـا تأکیـد بـر رفتارهـای و پدیـده‌های عینـی و حسـی و یافتـه‌های تجربـی اسـت (میرزائی‌اهرنجانی و سرلک، «نگاهی به معرفت شانسی سازمانی: سیر تحول، مکاتب و کاربردهای مدیریتی»، ۱۳۸٤: ۷۵/۳-۷٦؛ الوانی، مدیریت عمومی، ۱۳۹۸: ۱۹).

پنج. اعتبار معرفت‌شناسی

آنچه از تلاش‌های نظریه‌های مکتب مدیریت روابط انسانی به دست می‌آید آن است‌شناختی که از انسان و عوامل مرتبط به آن ارائه داده‌اند دارای اعتبار و روایی محدود اسـت (میرزائی‌اهرنجـانی و سـرلک، «نگـاهی بـه معرفت شانسی سازمانی: سیر تحول، مکاتب و کاربردهای مدیریتی»، ۱۳۸٤: ۷۲/۳)، هرچند از همین رهگذر شناخت محدود، در پی آن است که بتوانند از انسان بهتر و بیشتر برای رسیدن به سود بهره ببرند و از ایـن طریـق به بقا و ادامه حیات و رشد و تعالی سازمان به اطمینان خاطر رسیده و با ترکیـب یافتـه‌های حوزه‌هـای مختلـف علمی (رضائیان، تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم، ۱۳۷٦: ۱۰)؛ به مجموعه‌ای از مفاهم، اصول و مشخصات

در راستای دستیابی به سازوکاری برای شناخت علت‌های مسائل پیچیده انسان سازمانی و راه حل مناسب آن‌ها دست یازند (صادق‌پور، اصول و مبانی سازمان و مدیریت، ۱۳۸۵: ۹٤). بررسی نظریه‌پردازان مکتب مذکور نشان می‌دهد که آنان تنها به کنش یا رفتار انسان توجه داشتند و این مسئله را معیار اعتبار و روایی پژوهش‌های‌شناختی خویش قرار داده بودند (ایران‌نژادپاریزی و ساسانگهر، سازمان و مدیریت از تئوری تا عمل، ۱۳۹۰: ۹٦).

جمع بندی

جمع بندی معرفت‌شناسی از منظر نظریه‌پردازان مکتب مدیریت روابط انسانی در نگاره زیر به‌صورت خلاصه آمده است.

مؤلفه‌های معرفت‌شناسی مکتب مدیریت روابط انسانی		
اهمیت	معرفت‌شناسی ترازو و معیار سنجش است. در دانش مکتب مدیریت روابط انسانی اعتبار پدیده‌های سازمانی و فرآیندهای مدیریتی با علم سنجیده و اعتبار خود علم نیز با معرفت‌شناسی (اپیستمولوژی) سنجیده می‌شود. معرفت‌شناسی با درک ریشه‌ها، زمینه‌ها، ماهیت و به ویژه اعتبار دانش در ارتباط است و در صدد فراهم کردن دانش برای دانش است.	
مؤلفه‌ها	شرح	نگرش
موضوع و ماهیت شناخت	موضوع شناخت یا عینی است یا ذهنی؛ موضوعات عینی به صورت عمده پدیده‌های و نمودها و به عینیت بیرونی بر می‌گردد، اما موضوعات ذهنی بیشتر به بودها و ذهنیتها و مفاهیم و معانی درونی سروکار دارند.	شناخت عینی رفتار انسان، نیازها و روابط او در درون سازمان
ابزار شناخت	با چه وسیله‌ای موضوع شناخت شناسایی می‌شود. ابزار شناخت ممکن است عینی یا ذهنی باشد.	استقرایی نظیر مشاهده و آزمایش مبتنی بر رفتارهای انسان در سازمان
منبع شناخت	با چه منابعی موضوعات شناسایی می‌شود. موضوعات شناخت نیز به دو دسته عینی و ذهنی دسته‌بندی می‌شود.	رفتارهای حسی و قابل تجربه و در تحلیل و شناخت رفتار افراد و نیازهای او عینی‌گرا و واقع‌گرا
روش شناخت	در شناخت‌های درونی و بودها به صورت عمده از قیاس و استدلال و در شناخت بیرونی بیشتر از استقرا، آزمایش و تجربه علمی استفاده می‌شود.	روش‌شناسی اثبات‌گرا یا تخطئی یا تأکید بر رفتارگرایی
اعتبار شناخت	اعتبار شناخت مبتنی است بر: ۱. موضوع آن به درستی شناسایی شود، ۲. از ابزار مناسب برای شناسایی موضوع استفاده شود، ۳. منابع شناخت آن مشخص شده باشد، ۴. از روش‌شناسی درست و متناسب با موضوع بهره گرفته شود. هر یک از محورهای یاد شده از دو زاویه‌ی عینی و ذهنی قابل بررسی است. (معرفت‌شناسی عینی-گرا(پوزیتیویستها)؛ واقعیت مستقل از ذهن مشاهده گراست که هر شخص به صورت مستقل می-تواند دنیای پیرامون را بلاواسطه بشناسد و ذهنیت‌گرا؛ شناخت پدیده‌ها امری ذهنی و وابسته به ذهن انسان است.)	دارای شناخت محدود

نمودار (٤): جمع‌بندی معرفت‌شناسی مکتب مدیریت روابط انسانی

ج. نقد قرآنی معرفت‌شناسی

در این مبحث بررسی و نقد قرآنی معرفت‌شناسی بر اساس چارچوبی که در مبانی نظری مطرح شده با کاربست روش استنطاقی دنبال می‌شود.

یک. نقد قرآنی ماهت معرفت‌شناسی

افزون بر تأکید آموزه‌های قرآن کریم (زمر/۹) بر اهمیت معرفت، کمال انسانی در گرو شناخت و معرفت

است (فخررازی، مفاتیح الغیب، ۱٤۲۰: ٤۲۸/۲٦)؛ زیرا از آموزه‌های مختلف آیات قرآن کریم (حج/۳؛ لقمان/٦؛ مجادله/۱۱؛ زمره/۱۹؛ فاطر/۱۹-۲۲؛ اعراف/ ۱۷۹؛ ملک/ ۱۱-۱۰)، می‌توان برداشت کرد که اساس زیست و حیات فردی و اجتماعی انسان را مبتنی بر شناخت و آگاهی او قرار داده شده و تقلید را جز در برخی از فروعات که متّکی بر تحقیق و شناخت است نفی کرده است (جوادی‌آملی، معرفت‌شناسی در قرآن، ۱۳۸٤: ۲۰۹).

هرچند خداوند متعال عقل را به‌عنوان ابزار مهم درک و شناخت در اختیار بشر قرار داده است، ولی اتکا صرف بر یافته‌های عقلانی بشر مبتنی بر تجربه حسی و استقراء جزئیات برای شناخت را گام‌های مقدِمی برای کسب معرفت کامل و مطمئن می‌داند. زیرا رسیدن به شناخت صحیح و کامل متکی بر ایمان قلبی بر برهان‌های عقلی، نقلی (وحی) است (جوادی‌آملی، صورت و سیرت انسان در قرآن، ۱۳۹۹: ۳۱۲). درحالی‌که معرفت برخاسته از مکتب مدیریت روابط انسانی دارای ماهتِ عینیت‌گرای اثبات‌گرا است که سازنده آن تنها تجربه حسّی انسان است که از نظر آموزه‌های قرآن یک امر مقدِمی بوده و تکیه فقط بر آن، سبب فرو افتادن انسان در خسران و زیان می‌شود؛ زیرا انسان بدون معرفت مبتنی بر وحی، قادر به شناخت غایات و پیامدهای نهایی اشیاء و افعال نیست (ابن‌عاشور، التحریر و التنویر، بی‌تا: ۳۰۵/۲)، چون علم علی الاطلاق فقط در اختیار خداوند است (آل‌عمران/۵)؛ و هیچ چیزی از محسوسات و معنویات بر او پوشیده نیست (طباطبایی،المیزان، ۱٤۱۷: ۱۳/۳؛ بیضاوی، انوار التنزیل و اسرار التأویل،۱٤۱۸: ٦/۲). یا بر اساس آیه ۲٤۸ سوره بقره وقتی می‌فرماید: «لِلَّهِ ما فِی السَّماواتِ وَ ما فِی الْأَرْضِ وَ إِنْ تُبْدُوا ما فِی أَنْفُسِکمْ أَوْ تُخْفُوهُ یحاسِبْکمْ بِهِ اللَّهُ فَیغْفِرُ لِمَنْ یشاءُ وَ یعَذِّبُ مَنْ یشاءُ وَ اللَّهُ عَلی کلِّ شَیءٍ قَدِیرٌ» (بقره/۲٤۸)؛ ذکر «وَ ما فِی الْأَرْضِ» نتیجه می‌دهد که پس اعمال انسان‌ها نیز ملک او است، و در آخر نتیجه می‌دهد: آنچه در دل‌های آنان پوشیده هست، چه اظهار بشود و چه نشود ملک خدا است، و به زودی خدای تعالی با محاسبه خود در این ملک تصرف خواهد کرد (طباطبایی، المیزان، ۱٤۱۷: ٤۳٦/۲؛ طوسی، التبیان، بی‌تا: ۳۸۲/۲). پس توقف بر شناخت تجربی مبتنی بر حس که از درک محسوسات و ظواهر فراتر نرفته و نسبت به ماورای آن نمی‌تواند بصیرت‌افزایی کند (سید قطب، فی ظلال القرآن، ۱٤۱۲: ۲۷۵۸/۵)، فقط در حد درک ظاهر عینیات قابل پذیرش است. هرچند برخی از مفسرین بسامد چنین معرفتی را مساوی با عدم شناخت (جهل و نادانی) دانسته‌اند (زمخشری، الکشاف، ۱٤۰۷: ٤٦۸/۳).

پس معرفت برخاسته از مکتب مدیریت روابط انسانی به اندیشه سستی که قرآن به آن گوشزد کرده (جاثیه/۲٤) برگشته (طباطبایی، المیزان، ۱٤۱۷: ۱۷٤/۱۸؛ فخررازی، مفاتیح الغیب، ۱٤۲۰: ٦۷۸/۲۷)؛ که تکیه بر ظواهر دنیوی و شناخت متکی بر آن، از منظر کلام وحی نامعقول، نامطلوب و در بسیاری از موارد گمانه زنی‌های جاهلانه و خلاف واقع است. ازاین‌رو، مفسران در ذیل آیه یاد شده،شناختی را که مبتنی بر اوهام‌گرایی، تخیل پرستی و گمانه‌زنی (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۱۱۸/۹) باشد، نه‌تنها شناخت محسوب نکرده‌اند؛ بلکه آن را جهالت و نادانی (همان) دانسته‌اند (طوسی، التبیان، بی‌تا: ۲٦۰/۹)؛ زیرا نظریه‌های آنان کورکورانه و تقلیدی است (بیضاوی، انوار التنزیل و اسرار التأویل، ۱٤۱۸: ۱۰۸/۵). به همین خاطر با توجه به آیات مذکور و

نیز آیات مشابه (نساء/ ۱۵۷؛ یونس/ ٦٦؛ نجم/ ۲۸)، برآیند شناخت برآمده از مکتب یادشده، ناقص و ناتوان از به تصویر کشیدن واقعیت‌ها است؛ در حالی که در صورت اتصال معرفت به وحی، شناخت کامل و جامع، امکان‌پذیر و مقدور خواهد شد (آل‌عمران/٤٩)؛ زیرا قرآن کریم شناختی را معرفی کرده است که دارای ماهت فراحسی و برگرفته از وحی و غیب (طباطبایی، المیزان، ١٤١٧: ۲۰۰/۳؛ بلاغی‌نجفی، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، ١٤٢٠: ۲۸۵/۱)، و از راه غیرمعاینه و مشاهده (طبری، جامع البیان، ١٤١٢: ۱۹۰/۳) ظاهری و پنهانی حاصل شده است (مصباح‌یزدی، معارف قرآن (ج ۳-۱) خداشناسی، کیهان‌شناسی، انسان‌شناسی، ١٣٨٤: ۱-۴۰۷/۳).

دو. نقد قرآنی موضوع معرفت‌شناسی

نگاه قرآن کریم فراتر از رفتارهای تجربی بوده و بلکه همه هستی حتی خالق آن را در بر می‌گیرد (انعام ۱۰۱ و ۱۰۲؛ فرقان/۲؛ غافر/٦٢)؛ زیرا شناخت تنها در این نیست که همیشه به صورت افقی همانند آزمایش‌هایی که در علوم تجربی درباره کیفیت اشیا به‌عنوان نمونه خاک انجام می‌دهند؛ بلکه به سیر عمودی نیز آن را مورد قرارد داده و از مبدأ، آفریننده و خالق آن نیز پرسش می‌شود. ازاین‌رو، قرآن کریم به این بُعد توجه از آن به معلم یاد کرده (جوادی‌آملی، معرفت‌شناسی در قرآن، ١٣٨٤: ۲۱۲) و به شناخت او نیز موضوعیت داده است: «الرَّحْمنُ، عَلَّمَ الْقُرْآنَ، خَلَقَ الْإِنْسانَ، عَلَّمَهُ الْبَیان»(الرحمن/۱-٤)

برداشتی که از آیات مذکور و آیات دیگر (بقره/ ۳۱، ۲۸۲؛ مائده/ ٤؛ انبیاء/ ۸۰)، می‌توان ارائه داد آن است که انسان برای شناخت رفتارها و پدیده‌های هستی می‌بایست به شناخت فاعل شناسای آن توجه کرده و نباید از معلمی که به او قدرت شناخت و معرفت داده غفلت بورزد (بقره/١٦٤)؛ بلکه نسبت به مبدأ علم و قدرت یگانه که تمامی این «آوازه‌ها از او است» شناخت کسب کرده (مکارم‌شیرازی، تفسیر نمونه، ١٣٧٤: ۵۵۸/۳) و از طریق شناخت آن‌ها به وجود خداوند و یگانگی او پی ببرد (فخررازی، مفاتیح الغیب، ١٤٢٠: ١٥٢/٤؛ ابن‌عاشور، التحریر و التنویر، بی‌تا: ۷۵/۲)؛ زیرا همه اشیاء و پدیده‌های هستی نشانی از اوست (جوادی‌آملی، تفسیر تسنیم، ۱۳۸۹: ۱۷۲/۸)؛ که این امر با تأمل و تدبر در جهان خلقت و طبیعت که احاطه بر حیات او داشته و محاط بر زندگی اوست (فضل‌الله، تفسیر من وحی القرآن، ١٤١٩: ١٤٥/٣) امکان پذیر است.

سه. نقد قرآنی ابزار شناخت

در مکتب مدیریت روابط انسانی ابزار شناخت استقرای رفتارهای قابل تجربه و مشاهده انسان در محدوده نظام طبیعت و مادی است. در حالی که ابزارشناختی که قرآن کریم معرفی کرده است بسیار فراتر از آن است که در نمودار زیر نشان داده شده است (جوادی‌آملی، توحید در قرآن، ۱۳۸۳: ۲۵۸؛ فخررازی، مفاتیح الغیب، ١٤٢٠: ۹۹/۱۳).

ابزارهای شناخت از منظر قرآن کریم		
ردیف	ابزارهای شناختی	آیات
۱	وحی	بقره/۲۰؛ انعام/٤٦، ۱۰۹، ۱۱۰؛ انفال/۲۳؛ یونس/۳۱؛ نحل/۷۸؛ مؤمنون/۷۸؛ سجده/۹؛ شوری/۲٤؛ احقاف/۲٦؛ ملک/۲۳؛ انسان.۲، بلد/۸
۲	عقل	بقره/٤٤؛ آل عمران/۱۹۰، ۱۹۱؛ ملک/۱۰؛ یوسف/۲؛ عنکبوت/٤۳ و...
۳	قلب	انعام/۱۱۳؛ نحل/۷۸؛ اسراء/۳٦؛ جاثیه/۲۳؛ محمد/۲٤
٤	حسّ	بویایی: یوسف/۹٤؛ بینایی: بقره/۷، بقره/۱۷۱، ۲٦٦۰؛ آل عمران۱۳، ۳۱؛ انعام/٤٦، ۷٦، ۷۸، ۱۰۳، ۱۱۰و... چشایی: اعراف/۲۲، نبأ/۲٤ شنوایی: بقره/۷۵، ۹۳، ۱۰٤؛ آل عمران/۱۹۳؛ اعراف/۱۷۹؛ انفال/۲۰، ۲۱ و... لامسه: انعام/۷

نمودار (۵): ابزارهای معرفت از منظر قرآن کریم

قرآن کریم اندیشه محدودیت ابزار شناخت را به تجربه و آن هم در محدوده نظام طبیعت و دنیای مادی را به چالش کشیده و تصریح می‌کند که برای دست یازیدن به شناخت صحیح و قابل‌اطمینان افزون بر تجربه، عقل، وحی، قلب، و اندام‌های حسّی نیز سهم قابل‌توجه و غیرقابل‌انکاری دارند؛ زیرا از منظر آموزه‌های وحیانی ابزار شناخت چشم، گوش، قلب، عقل و وحی معرفی شده است (اسراء/۳٦؛ نحل/۷٦)؛ چراکه گوش و چشم و فؤاد نعمتهایی هستند که خداوند ارزانی داشته است تا انسان به‌وسیله آنها حق را از باطل تمیز داده و خود را به واقع برساند، و به‌وسیله آنها اعتقاد و عمل حق تحصیل نماید (طباطبایی، المیزان، ۱٤۱۷: ۹۳/۱۳).

چنانچه ذکر شد ابزار شناخت در مکتب یادشده منحصر به استقراء حسّی است، در حالی که خداوند از یکسو در آن امکان تصرف و خطا می‌بیند (اعراف/۱۱٦؛ حجر/۱۵؛ طه/٦٦)؛ و از سوی دیگر، محدود ساختن راه شناخت به آن را روش غیر علمی می‌داند (بقره/۵۵، ۱۱۸، ۱۰۳؛ جاثیه ۲٤ و ۲۵)؛ بلکه از منظر قرآن کریم ادراکات یاد شده، زمینه‌ساز شناخت عقلانی و ادراکات باطنی بوده (نحل/۷٦؛ مؤمنون/۷۸؛ سجده/۹، احقاف/۲٦؛ ملک/۲۳)؛ و منهای تعقّل و اندیشه‌ورزی، در دستیابی به شناخت جهان هستی بی‌ثمر است (بقره/۱۵٤؛ آل عمران/۱۹۰؛ رعد/۲-٤؛ نحل/۱۲). پس یکی از نقدهای، محدودیت، خطاپذیری و غیرعلمی بودن ابزارشناختی در نظریه‌های مکتب روابط انسانی است که نمی‌تواند منجر به شناخت جامع و کامل گردد؛ زیرا از آموزه‌های قرآن کریم می‌توان برداشت کرد که برای شناخت رفتارهای انسان در کنار شناخت افقی و عرضی، از شناخت عمودی و طولی نیز بهره برده است و نمی‌توان با مطالعه روابط عرضی اشیاء با هم از روابط عمودی و طولی آن‌ها با خالق و آفریننده شان بی‌نیاز شد؛ و به نظر می‌رسد اندیشمندان مکتب مذکور از چنین

دیدگاه برخودار نیست. علت آن این است که افق دید آنان به سازمان و انسان سازمانی کاملاً مادی است و طرح مسائل با این منطق، حقیقتی است که به هیچ وجه در محدوده اندیشه انسان مادی وجود ندارد (جوادی‌آملی، معرفت‌شناسی در قرآن، ۱۳۸٤: ۳٤۰).

چهار. نقد قرآنی منبع شناخت

منبع شناخت در مکتب مدیریت روابط انسانی عینی و واقع‌گرا با تأکید رفتارهای قابل‌تجربه است، ولی حصر شناخت در عوامل حسی و عینی از منظر قرآن کریم قابل قبول نیست؛ زیرا از منظر قرآن کریم منابع دیگری نیز وجود دارد که نقش برجسته و مهمی در شناخت دقیق‌تر و عمیق‌تر از انسان و رفتارهای وی دارند. منابع شناخت از منظر قرآن در نمودار زیر آمده است.

منابع شناخت از منظر قرآن کریم		
ردیف	منابع شناختی	آیات
۱	نقل(قرآن کریم)	آل عمران/٤٤؛ اعراف/۲۰٤؛ هود/٤۹؛ یوسف/۱۰۲؛ احقاف/۲۹؛ جن/۱-۳
۲	طبیعت	نعام/۹۷؛ حج/٤٦؛ عکبوت/۲۰
۳	انسان	فصّلت/۵۳؛ ذاریات/۲۰-۲۱
٤	آیات آفاقی، انفسی و شهودی	آفاقی: فصلت/۵۳؛ ملک/۲۰؛ زمر/۲۱؛ عنکبوت/۱۵؛ نمل/۵۲ و... انفسی: اعراف/۱۹۰؛ انعام/۲ و ٦۰؛ بقره/۲۸؛ مریم/٦۷؛ آل عمران/٦؛ روم/۲۱؛ هود/٦۱؛ بقره/۲۸ شهودی: انعام/۷۵؛
۵	جهان آفرینش	انعام/۱۰۱-۱۰۲؛ اعراف/۱۸۵؛ طه/۵۰، لقمان/ ۱۰-۱۱؛ سجده/٤؛ زمر/۵ و٦؛ دخان/۳۸ و ۳۹؛ احقاف/۳ و ٤
٦	تاریخ و حوادث آن	بقره/۲٤٦-۲۵۸؛ آل عمران/۱۳۷؛ مائده/۱۱؛ انعام/٦ و۱۱؛ اعراف/۸٤ و ۸٦؛ یونس/۳۹ و ۷۳؛ هود/۱۲۰؛ یوسف/۱۰۹ و...
۷	آثار باستانی	یونس/۹۲؛ حجر/۷٤ و ۷۷؛ حج/٤۲-٤۸؛ نمل/۵۲ و ٦۹؛ عنکبوت/۳۱ و ۳۹؛ روم/۹؛ صافات/۱۳٦-۱۳۸؛ غافر/۸۲؛

نمودار (٦): منابع شناخت از منظر قرآن کریم

با این گستره‌ای از منابع معرفتی که قرآن کریم معرفی کرده است، مشخص می‌شود که نظریه‌های مکتب مزبور، توصیفی بسیار ناقص و محدودی از پدیده‌ها به دست می‌دهند (الوانی، «نقدی بر منطق عقلی جدید و آثار آن بر نظریه‌های سازمانی»، ۱۳٦۸: ٦-۷/۳۹-٤۸)؛ در ادامه گستره منابع معرفتی از منظر قرآن کریم شرح و تبیین می‌شود.

اول. وحی

از میان منابع معرفتی که قرآن کریم، یکی از مهم‌ترین آن‌ها وحی است که بی‌نقص و عیب و کامل و جامع است (نحل/۸۹؛ انعام/۵۹؛ فصلت/٤۲)؛ کارکرد وحی به‌عنوان منبع معرفتی آن است که «با ورود وحی به عرصه فرهنگ انسانیت، بشر از انحطاط و سقوط رها، و درهای شکوه و تعالی به روی او باز، و خردها بارور، و

دوران رشد و شکوفایی خردورزی آغاز، و عقلانیت بالید و بارور شد» (جـوادی‌آملی، وحـی و نبـوت در قـرآن، ۱۳۸۲: ۱۱۸). وحی به‌عنوان یک منبع غنی و قوی کسب دانش و معرفت در اختیار تمام انبیاء اله بوده و آنـان از این نعمت بزرگ اله بهره‌مند بودند. ازاین‌رو، بر اساس آیه مبارکه سوره نساء (نساء/۱٦۳)، پیامبران اله به صـورت یکسان و یکنواخت از امر وحی برخودار بوده و هیچ اختلافی در آن مصادیق آن وجود ندارد (طباطبایی، المیزان، ۱٤۱۷: ۱۰٤/٥).

پس وحی و نبوت، یک جریان و سنت خلل ناپذیر در تاریخ انسان (مکارم شیرازی، تفسـیر نمونـه، ۱۳۷٤: ۲۱۱/۲)، است که به واسطه انبیاء اله در اختیار بشر قرار داده شده است و به‌عنوان یـک منبـع شـناخت از چنـان اتقان و استحکام برخوردار است که قرآن حکیم درباره پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «وَ ما ینْطِقُ عَنِ الْهَـوی، إِنْ هُوَ إِلاَّ وَحْی یوحی» (نجم/۳-٤)؛ به گفته ابن‌عاشور این توصـیف خـود کمـال اسـت (ابن‌عاشـور، التحریـر و التنویر، بی‌تا: ۱۰۰/۲۷). درواقع این آیه شریفه این حقیقت را بیان می‌کند که‌شناختی که مبتنی بـر وحـی باشـد خطا و اشتباه در او راه ندارد. ازاین‌رو، در ادامه به پیامبر اکرم (ص) اطمینان می‌دهد (یوسف/۱۰۲) که این اخبار بواسطه وحی به شما گزارش می‌شود (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ٤۰۸/٥).

کارکرد وحی آن است که یک حقیقت را خوب تبیین و تشریح نموده، زوایایی پنهـان او را آشـکار سـاخته و می‌شناساند و بعد آثار و پیامدها آن را ذکر نموده (اسراء/۸٥؛ لقمان/۳٤) و تأکید می‌کند که نظام تکوین مبتنـی بر این است که هر چیزی شرط و شروط خاص خودش را دارد که باید حفظ شود (جوادی‌آملی، شکوفایی عقـل در پرتو نهضت حسینی، ۱۳۸۸: ۱۲۹)

دوم. عقل

عقل نعمت نیروی اندیشه، مرکز فهم، تشخیص و قوّه‌ای اسـت کـه خداونـد در سرشـت انسـان بـه ودیعـه گذاشته و آن را با نفس او درهم تنیده تا توسط آن بتواند معارف را فهمیده و با آن میان خیر و شـر، حـق و باطـل، خوب و بد و هست و نیست تمییز داده و پس از سنجش و ارزیابی، گزینش کند. در جهان تکوین اولین مخلوق خداوند عقل است. چه اینکه رسول خدا (ص) فرمود: «أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلُ»(ابن‌بابویه، اسرار توحید، بی‌تا: ٥۳)؛ عقل اول چیزی است که خدا خلق کرد. در عالم تشریع هم عقـل گـوهر بـزرگ و از جایگـاه بـس ممتـاز برخودار است که در نصوص فراوان آیات قرآن کریم با ساختارهای مختلفی از آن یاد شده و انسان را به کاربست آن در شناخت عرصه‌های مختلف دعوت کرده است. تا جایی که خداونـد صـاحبان عقـل را وسـیله برتـری بـر دیگران (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ٦٥/۷)؛ و نزول قرآن کریم را برای تعقل؛ فهم و احاطه بر معـانی قـرآن (بیضاوی، انوار التنزیل و اسرار التأویل، ۱٤۱۸: ۱٥٤/۳) و تفقه (طبری، جـامع البیـان، ۱٤۱۲: ۸۹/۱۲) انسـان بیان داشته است (یوسف/۲). در آیه مذکور خداوند دعوت به تعقل در باورها، معارف اله و امور دینـی کـرده تـا دلایل آن‌ها (فخررازی، مفاتیح الغیب، ۱٤۲۰: ٤۱٦/۱۸)؛ را فهمیده، مقاصد آن‌ها در زندگی فردی و اجتمـاعی (فضل‌الله، تفسیر من وحی القرآن، ۱٤۱۹: ۱٦۲/۱۲) را به دست آورده، آن‌ها را به کار گرفته (قمی، تفسـیر کنـز الدقائق و بحر الغرائب، ۱۳٦۸: ۲٦۹/٦) و نیز حسن و قبح آن‌ها را بشناسد (طوسی، التبیان، بی‌تا: ۹۲/٦).

بنابراین قابل‌پذیرش نیست که با وجود چنین دیدگاه که از سوی خداوند به نعمت پر بار عقل که قرآن مبین آن است شده، شارع مقدس درک قطعی عقل را نسبت به مصالح و مفاسد مطلقاً نپذیرفته و درک عقل با تشریع را ناهمسو بداند. به ویژه که از معصومین (ع) برخی تعبیرات درباره جایگاه عقل ذکر شده است (کلینی، الکافی، ۱٤۰۷: ۱٦/۱) که ارزش و جایگاه آن را دو چندان می‌کند.

عقل نسبت نقل دارای سه کارکرد مهم است؛ گاه میزان و معیار است؛ از جهت اثبات قدسی بودن قرآن و مصون باقی ماندن آن از تحریف، عقل به‌عنوان مبنا و میزان ایفای نقش می‌کند (جوادی‌آملی، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، ۱۳۹۰: ۲۱۱) گاه مصباح است؛ عقل خود به‌عنوان منبع مستقل در کنار کتاب، سنت و اجماع عمل می‌نماید و احکام شرعی را در می‌یابد (همان: ۲۱۲) و گاه مفتاح است؛ از آنجا که شریعت حقّه اسلام از مبدأ علم مطلق الاه که اِشراف بر عالم تکوین داشته و بر توانایی‌ها و محدودیت‌های انسان اطلاع دارد نشأت گرفته است همو که نزدیک‌تر از رگ گردن به انسان است (ق/۱٦) و بین انسان و قلبش قرار دارد (انفال/۲٤). بنابراین تمامی آنچه در حوزه شریعت مطرح است، در ظرف علم قلیل انسانی نگنجد (اسراء/۱۷) و انسان پس از نیل به مرحله اعتقاد به اصل شریعت (که البته براساس براهن عقلی صورت می‌گیرد) باید عقل را در مصالح احکام به‌عنوان مفتاحی برای وصول به گنجینه معارف به کاربندد و با اعتقاد به حقانیت احکام اسلام بدان ملتزم گردد گرچه مصالح و اسرار و ملاک هایی که در ورای این احکام است به علم قاصر و محدود بشری در نیاید (جوادی‌آملی، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، ۱۳۹۰: ۲۱٤).

سوم. قلب

بر اساس نص قرآن کریم (انفال/۲٤) یکی از ابزارهای مهم شناخت «قلب» است. قلب با آراسته شده با ویژگی‌های تطهر و تذکیه به معارف و حقایق فوق عقل دست می‌یازد تا جایی که گاه ظرف دریافت الهام‌ها و سروش‌های غیبی شده و به شناختی نائل می‌شود که توسط حسّ و عقل امکام‌پذیر نیست. قلب مرکز احساسات و عواطف خاص انسان است که گاه از به «حقیقت انسان» تعبیر می‌شود (طباطبایی، المیزان، ۱٤۱۷: ٤٥/۹).

در قران کریم از قلب به‌عنوان مرکز مهم شناخت یاد شده و در موارد مختلف، فهم و درک به آن نسبت داده است تا جایی که وقتی ادراک را از قلب نفی می‌کند، آن به خاطر انجام ندادن درست کار توسط قلب و عدم سلامت آن معرفی می‌کند (مصباح‌یزدی، اخلاق در قرآن، ۱۳۷٦: ۲۰۸) ازاین‌رو، خداوند با نکوهش به برخی انسان‌ها می‌فرماید: «لَهُمْ قُلُوبٌ لا یفْقَهُونَ بِها» (اعراف/۱۷۹) در آیه یاد شده فعل «تفقُّه» به قلب انسان نسبت داده شده که در اینجا فقه به معنای اطلاحی آن مراد نیست، بلکه مقصود از ان، «فهم دقیق و عمیق» است (فضل‌الله، تفسیر من وحی القرآن، ۱٤۱۹: ۲۸۹/۱۰)؛ و در جای دیگر فعل «تدبّر» را نیز به قلب نسبت داده (محمد/۲٤) است (طبری، ۱٤۱۲جامع البیان،: ۳٦/۲٦) افزون بر آن، از برخی آیات (حج/٤٦) می‌توان برداشت کرد که علاوه بر علم حصولی، درک و معرفت حضوری خداوند کار قلب است (سید قطب، فی ظلال القرآن، ۱٤۱۲: ۲٤۳۰/٤).

چهارم. شهود

شهود عبارت است از: «تماس مستقیم درون با واقعیت غیرقابل تماس حسی طبیعی و عقلانی...» (جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ۱۳۹۸: ۸۱/۷-۸۲). معیار و ملاک در این نوع شناخت برای کشف حقایق بیرونی، برخورداری از بینایی درونی است که در آن احتمال خطا و اشتباه راه ندارد. ازاین‌رو، در تبیین و تشریح شناخت شهودی گفته شده است: «کسی که دارای (شناخت شهودی) است در نگاه خود حقایقی را می‌بیند و با گوش خود کلماتی را می‌شنود که دیگران از دیدن و شنیدن آنها محروم هستند، همان گونه که دیگران گرمای آتش را احساس می‌کنند و یا صداهای گوناگون را تشخیص می‌دهند و صاحبان آن صداها و معانی مربوط به آنها را می‌شناسند.»(جوادی‌آملی، معرفت‌شناسی در قرآن، ۱۳۸٤: ۳۳۲) در آموزه‌های وحیانی (انعام/۷۵) نیز از این نوع شناخت یاد شده و آن را ادراک خطاناپذیر معرفی کرده است (مصباح یزدی، راهنماشناسی، ۱۳۸۳: ۳۲-۳۳).

پنجم. طبیعت

پدیده‌های طبیعی که در آموزه‌های وحیانی به صورت «آیه»، «عبرت» و «ذکری» ذکر شده است و جزء منابع معرفتی به شمار می‌رود در نمودار زیر به تفکیک آمده است:

منابع معرفتی در طبیعت	
پدیده‌های طبیعی	آیات
آسمان‌ها	بقره/١٦٤؛ آل عمران/١٩٠؛ یونس/٦؛ رعد/٢؛ عنکبوت/٤٤؛ روم/٢٢؛ سبأ/٩؛ جاثیه/٣
ستارگان	نحل/١٢
خورشید	رعد/٢؛ نحل/١٢
ماه	رعد/٢؛ نحل/١٢
زمین	بقره/١٦٤؛ آل عمران/١٩٠؛ یونس/٦؛ رعد/٣ و ٤؛ نحل/١٣؛ عنکبوت/٤٤؛ روم/٢٢؛ سبأ/٩؛ جاثیه/٣؛ ذاریات/٢٠
شب و روز	بقره/١٦٤؛ آل عمران/١٩٠؛ یونس/٦ و ٦٧؛ رعد/٣؛ نحل/١٢؛ نور/٤٤؛ نمل/٨٦
کوه ها	رعد/٣
کشتی متحرک در دریا	بقره/١٦٤؛ لقمان/٣٠؛ شوری/٣٢ و٣٣
وزش بادها	بقره/١٦٤؛ شوری/٣٣
ابرها	بقره/١٦٤
رعد و برق	روم/٢٤
باران	بقره/١٦٤؛ انعام/٩٩؛ نحل/٦٥؛ روم/٢٤؛ زمر/٢١
رودخانه ها و چشمه ها	رعد/٣؛ زمر/٢١
رویش گیاهان و درختان و ثمرات آنها	انعام/٩٩؛ رعد/٣ و ٤؛ نحل/١١ و ٦٧؛ شعراء/ ٧ و٨؛ زمر/٢١؛
عسل و زنبور عسل	نحل/٦٩
پرندگان	نحل/٧٩
چهارپایان اهلی	حله/٥٤
تمام جنبندگان	جاثیه/٤

نمودار (۷): منابع معرفت در طبیعت

به خاطر اهمیت کم‌نظیر منبع معرفتی طبیعت، خداوند پیامبر مورد خطاب قراد داده تا مردم را به سیر و مطالعه به این منبع سرشار از رمز و راز فرا بخواند (یونس/۱۰۱) و پیامبر اکرم (ص) مأمور است که مردم را به

مطالعه و تفکر در پدیده‌های آسمان‌ها و زمین توصیه کند (هاشمی‌رفسنجانی، تفسیر راهنما، ۱۳۸۷: ۳۹۶/۷)؛ تا انسان‌ها با سیر در طبیعت این باور برسند که جهان طبیعت و نظام ناگسستنی آفرینش و مخلوقات مختلف، گوناگون، رنگارنگ و متشتت همه آیه‌ای از آیات اله برای شناخت ذات خداوند است (طباطبایی، المیزان، ۱٤۱۷: ۱۲۷/۱۰)؛ نه آن‌گونه که نظریه‌پردازان مکتب مدیریت روابط انسانی بر پایه تفکر اثبات‌گرایی به دنبال آن است؛ زیرا دغدغه اصلی آنان از شناخت طبیعت، تسلط یافتن بر طبیعت است تا از منابع محدود آن بیشترین سود را ببرند؛ چرا که با شناخت هرچه بهتر طبیعت، قدرت و توانایی عملی (همان، ص ٥٤) و ابزار بهره‌برداری از جهان (جوادی‌آملی، معرفت‌شناسی در قرآن، ۱۳۸٤: ۹۷) را به دست آورده و از این رهگذر بهره‌گیری و بهره‌مندی هر چه‌بهتر از طبیعت را مهیا می‌سازند. در حالی قرآن کریم نه‌تنها به شناخت طبیعت و بهره‌گیری از آن، انسان را فراخوانده است؛ بلکه مواهب طبیعی را مسخر انسان کرده و برای انسان آفریده است (جاثیه/۱۳) تا به انسان‌ها تفهم نماید که این کارها را خدا انجام داده است؛ بنابراین «تأکید قرآن به شناخت خدا رسیدن از راه شناخت طبیعت است» (مصباح‌یزدی، معارف قرآن (ج ۳-۱) خداشناسی، کیهان‌شناسی، انسان‌شناسی، ۱۳۸٤: ۱-۱۰۳/۳). نه حصر در طبیعت و شناخت طبیعت برای طبیعت جهت بهره‌برداری مادی صرف از آن، بلکه قرآن کریم شناخت طبیعت را وسیله و ابزاری قرار داده است تا انسان ضمن استفاده مطلوب از آن، خالق و آفریننده آن را بیشتر و بهتر بشناسند (طوسی، التبیان، بی‌تا: ٤۳۷/٥)

ششم. اندام‌های حسّی

در قرآن کریم در آیات متعدد بر کاربرد حواس انسان در شناخت دلالت دارد (مومنون/ ۷۸؛ حاقه/ ۳۸-۳۹؛ اسرا/ ۳٦). حواس انسان تا حد زیاد قابلیت دسترسی انسان به معرفت نسبت به دنیای پیرامونی او را میّسر می‌کند؛ زیرا از مجراهای درک و دانش انسان تلقی شده و هریک از اندام‌های حسّی همراه با فعل و انعالات خاص، آثاری از صوت، نور، بو، حرارت و مزه اشیاء مختلف را به تارهای عصی و سپس به مغز انتقال داده و از این رهگذر انسان می‌تواند چگونگی و خواصی که ارتباط با ظاهر اشاء مادی در شعاع مشخص در اطراف وی قرار دارد، آگاه می‌یابد (مصباح‌یزدی، به سوی خودسازی، ۱۳۸۰: ٦٤). هرچند از طریق حواس می‌توان به شناخت دست یازید، ولی منبع معرفتی اندام‌های حسی در درک پدیده‌ها محدودیت دارد؛ زیرا یکسو شناخت حسّی به کیفیات مشخص از ظاهر و اعراض چیزهای محسوس نه به تمام آن‌ها و نه ذات و اشیاء غیر حسّی تعلق دارد. از سوی دیگر، کارایی اندام حسی انسان مبتنی بر شرایط معیّنی است (خداپناه، نوروسایکولوژی و سایکوفیزیولوژی، ۱۳۸۲: ۸۲) حال اگر در یکی از فرآیند فعل و انفعالات فیزیولوژیکی «دیدن» اختلالی به وجود آید، بینایی با مشکل ربرو می‌شود (فدائی، مقدّمه‌ای بر نوروپیسکولوژی، ۱۳۷۷: ۲۱-۳٤) علاوه بر آن، درک و دانش مبتنی بر حس، خطاپذیر است؛ زیرا معرفت مستقیم و بی‌واسطه با جهان خارج را به وجود نمی‌آورد؛ بلکه دانش زائیده از آن محصول فرآیند پیچیده و زیاد است و در میان فرآیند وسیع ادراکی ممکن است تحریفاتی رخ دهد که موجب عدم تطابق بین ادراک و واقعیّت‌های مورد ادراک باشد (فرس، راهنمای عملی روان‌شناسی تجربی، ۱۳٦٤: ۱۷٤-۱۷۸)

هفتم. تاریخ

کارکرد تاریخ در افزایش معرفت انسان از چنان اهمیتی برخودار است که در قرآن کریم بارها دستور به سیر در زمین و بررسی سرگذشت پیشینیان و عواقب عملکردهای آنان و نیز کیفیت زندگی صالح و طالح آن‌ها داده است (انعام/۱۱) قرآن حکیم تاریخ را به‌عنوان یکی از منابع شناخت جهت مطالعه عرضه کرده (مطهری، مسئله شناخت، ۱۳۷۳: ۷۸) علم و آگاه به سنن و قواعد ناظر به حیات گذشتگان از بستر بررسی و تحلیل وقایع و حوادث تحقق یافته را یکی از منابع شناخت به شمار آورده است (مطهری، جامعه و تاریخ، ۱۳۸٤: ۷۱).

برداشتی که از آیات مربوطه (فاطر/٤٤؛ نحل/۳٦)؛ می‌توان کرد آن است که سیر در تاریخ یکی از منابع متقن شناخت به شمار می‌رود؛ زیرا بررسی و مطالعه آثار تاریخی، تحولات زندگی جامعه بشری (مطهری، جامعه و تاریخ، ۱۳۸٤: ۷۸) و تحقیق درباره صفحات عینی به جا مانده از ملت‌های گذشته (جوادی‌آملی، تفسیر تسنیم، ۱۳۸۹: ٤۸۰/۲٤)؛ از طریق سیر تاریخی- جغرافیایی در زمین (صادقی‌تهرانی، الفرقان، ۱۳٦۵: ۳٤۸/۹) و با چشم و دل دیدنِ (ابن‌عاشور، التحریر و التنویر، بی‌تا: ۳۰/٦)، حال گذشتگان، به‌مثابه منبع دستیابی به شناخت و آگاه، مورد توجه جدی آموزه‌های وحیانی است که موجب گسترش افق دید و اندیشه انسان شده و بستری برای عبرت گرفتن می‌شود. ازاین‌رو، قرآن کریم انسان‌ها را به بررسی قوانین و سنن مستمر رهنمون کرده و به اندیشه درباره گام‌ها و حلقه‌های آن‌ها فرا می‌خواند (سید قطب، فی ظلال القرآن، ۱٤۱۲: ۲٦٦۳/۵)؛ که اندیشیدن به عاقبت کار گذشتگان و سیر در مساکن مخروبه و سر زمین‌های خالی، برای آنان که عبرت گرفته‌اند و دارای بصیرت هستند کافی خواهد بود (طباطبایی، المیزان، ۱٤۱۷: ۳۸۷/۱۵؛ آلوسی، روح المعانی فی تفسیرالقرآن العظیم، ۱٤۱۵: ۲۲۷/۱۰).

پنج. نقد قرآنی اعتبار معرفت‌شناسی

شاید یکی از دلایل مهم اینکه اعتبار و پایایی ماهت، موضوع، ابزار و منبع شناخت در مکتب مذکور با محدودیت‌ها و کاستی‌های فراوان مواجهه است این باشد که یافته‌های تئوری‌های مکتب یاد شده تا هنوز شاخص‌های یک نظریه واقعی را پیدا نکرده (ایرانژاد و ساسان‌گهر، سازمان و مدیریت از تئوری تا عمل، ۱۳۹۰: ۹٦) و بیشتر نظریه‌های آن بر اساس گمان و احتمال بنا نهاده شده و فراتر از تجربه حسّی نرفته است؛ ازاین‌رو، از اعتبار و پایایی برخوردار نیست. زیرا فرضیه‌های غیر یقینی دانش تجربی بر پایه احتمالات قرار گرفته است (جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ۱۳۹٤: ٦۲۷/۲)

افزون بر آن، قرآن کریم (اسراء/۸۵) تذکر می‌دهد که دانش در اختیار بشر ناقص بوده و به تنهای نمی‌تواند سعادت دنیوی و اخروی او را تأمین کند. زیرا مجهولات انسان، در برابر معلوماتش، همواره بیشتر است و علم خدا نامتناهی است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷٤: ٦۷۵/٦)؛ و چنین دانش اندک در برابر دریای بیکران علم اله بسان قطره‌ای در برابر اقیانوس بی‌کران است و در منظومه هستی تنها دانشی که برایش نمی‌توان حد و حصر تعیین نمود؛ بلکه باید او را بی‌نهایت دانست علم خدای سبحان است (همان: ٦۷٦). ازاین‌رو، کشف معلومات جهان در گرو اتصال به منبع غنی وحی است که به هنگام ارتباط با آن می‌تواند راه‌های شناخت مجهولات را پیدا

کرده (طلاق/۲) و موانع و محدودیت‌ها را که دارای اندازه خاص می‌باشند پشت سر بگذارد (جوادی‌آملی، قرآن در قرآن، ۱۳۹۷: ۲۱۳)

جمع‌بندی

جمع‌بندی این بخش در نگاره زیر به تفکیک آمده است:

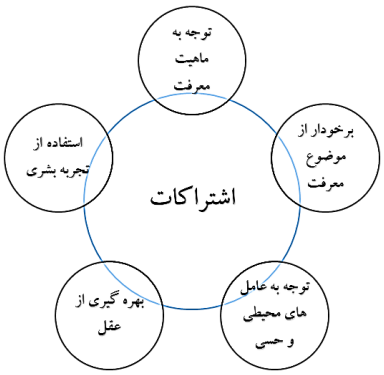
مؤلفه‌های معرفت‌شناسی از مظر قرآن کریم	
مؤلفه ها	نگرش
موضوع و ماهیت شناخت	قرآن اتکا به عقل و یافته‌های بشری را برای شناخت کافی ندانسته و تجربه، حس و استقرا را گامهای مقدمی برای شناخت کامل و مطمئن که متکی بر ایمان قلبی بر برهان‌های عقلی، نقلی(قرآن و سنت) و کتاب‌های آسمانی که دارای ماهیت واقع‌نمایانه با دو نگاه عمودی(با خالق) و افقی (رفتارهای جوارحی و جوانحی مخلوق و تمام هستی) می‌داند.
ابزار شناخت	از نگاه قرآن ابزارهای شناخت را فقط استقرایی نظیر مشاهده و آزمایش مبتنی بر رفتارهای انسان تشکیل نمی‌دهد، بلکه دارای گستره‌ی فراوانی همچون وحی، عقل، قلب، حس و تمام گستره‌ی هستی تشکیل می‌دهد.
منبع شناخت	منبع شناخت از نظر قرآن کریم عبارتند از: وحی، عقل، قلب، شهود، طبیعت و تجربه‌ی بشری، حواس پنجگانه و تاریخ
اعتبار شناخت	دانش تجربی اندک بشری در برابر دریای بیکران علم الهی بسان قطره¬ای در برابر اقیانوس بی‌کران است و در منظومه‌ی هستی تنها دانشی که برایش نمی‌توان حد و حصر تعیین نمود و بلکه باید او را بی‌نهایت دانست علم خدای سبحان است. از این رو، کشف معلومات جهان در گرو اتصال به منبع غنی وحی است که به هنگام ارتباط با آن می‌تواند راه‌های شناخت مجهولات را پیدا کرد که دارای حد و مرزی و محدودیت نیست.

نمودار (۸): مؤلفه‌های نقد قرآنی معرفت‌شناسی

نتیجه

اشتراکات

یافته‌ها نشان داد که معرفت‌شناسی به تبیین ماهت، منابع، قلمرو و حدود، موضوع و اعتبار شناخت می‌پردازد. چنانچه ملاحظه شد میان آموزه‌های قرآن کریم و مکتب مدیریت روابط انسانی در عنوان برخی موضوعات اشتراکاتی وجود دارد. البته لازم به یادآوری است که نکات اشتراکی ذکر شده به معنای عینیت نیست؛ بلکه افزون بر جنبه‌های اشتراکی، بین دو رویکرد تفاوت‌هایی نیز وجود دارد. اشتراکات در نمودار زیر آمده است.



نمودار (۹): اشتراکات معرفت‌شناسی از دیدگاه قرآن کریم و مکتب مدیریت روابط انسانی

افتراقات

افتراقات یافته‌های قرآن کریم و مکتب مدیریت روابط انسانی در نمودار به صورت خلاصه نشـان داده شـده است.



نمودار (۱۰): نکات افتراقی معرفت‌شناسی از منظر آموزه‌های قرآن کریم و مکتب مدیریت روابط انسانی

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید جامعة المصطفی، انتشارات بین‌المللی المصطفی، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۲. ابن‌بابویه، محمد بن علی، اسرار توحید، ترجمه التوحید للصدوق، قم: بی‌نا، بی‌تا.
۳. ابن‌عاشور، محمد بن طاهر، التحریر و التنویر، بیروت: مؤسسة التاریخ، بی‌تا.
٤. ابن‌فارس ابو الحسین، احمد، معجم مقائیس اللغة، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم: ١٤٠٤.
٥. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، ١٤١٦.
٦. اسکات، ریچارد، سازمان‌ها سیستم‌های عقلایی، طبیعی و باز، ترجمه حسن میرزایی اهرنجانی، تهران: سمت، ۱۳۹۲.
۷. امیرکبیری، علیرضا، رویکردهای سازمان و مدیریت و رفتار سازمانی، تهران: نگاه دانش، ۱۳۹٤.
۸. اوریت، نیکلاس؛ فیشر، الک، نگاه انتقادی به معرفت‌شناسی جدید، ترجمه، حسن عبدی، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۰.
۹. ایران‌نژادپاریزی، مهدی؛ ساسان‌گهر، پرویز، سازمان و مدیریت از تئوری تا عمل، تهران: مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰.
۱۰. ایزدی، مهدی و اخوان مقدم، زهره، «ضرورت، ماهت و روش استنطاق از منظر روایات اهل‌بیت علیه‌السلام»، دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات قرآن و حدیث، سال ششم، شماره دوم، پیاپی ۱۲، از صفحه ۱۰۳ تا ۱۲٦، ۱۳۹۲.
۱۱. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیرالقرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه، ١٤١٥.
۱۲. بلاغی‌نجفی، محمد جواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم: بنیاد بعثت، ١٤٢٠.
۱۳. بوریل، گیبسون، مورگان، گارت، نظریه‌های کلان جامعه‌شناختی و تجزیه و تحلیل سازمان، ترجمه محمد تقی نوروزی، قم: سمت، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۳.
١٤. بهجت‌پور، عبدالکریم، تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول) مبانی اصول قواعد و فواید، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۲.
١٥. بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التأویل، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ١٤١٨.
١٦. جعفری، محمدتقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۸.
١٧. جواد آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم: اسراء، ۱۳۸۹.
١٨. ـــــ، توحید در قرآن، اسراء، قم: ۱۳۸۳.
١٩. ـــــ، جامعه در قرآن، قم: مؤسسه اسراء، ۱۳۹۱.
۲۰. ـــــ، دین‌شناسی، قم: إسراء، ۱۳۸۱.

۲۱. ـــــــ، زن در آینه جلال و جمال، قم: اسراء، ۱۳۸۹.
۲۲. ـــــــ، سرچشمه اندیشه، قم: إسراء، ۱۳۸۳.
۲۳. ـــــــ، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، قم: اسراء، ۱۳۸۸.
۲٤. ـــــــ، صورت و سیرت انسان در قرآن، قم: اسراء، ۱۳۹۹.
۲۵. ـــــــ، قرآن در قرآن، قم: اسراء، ۱۳۹۷.
۲٦. ـــــــ، قرآن در کلام علی (ع)، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۸٦.
۲۷. ـــــــ، معرفت‌شناسی در قرآن، قم: اسراء، ۱۳۸٤.
۲۸. ـــــــ، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۹۰.
۲۹. ـــــــ، وحی و نبوت در قرآن، قم: اسراء، ۱۳۸۲.
۳۰. جوهچ، ماری، تئوری سازمان؛ مدرن، نمادین- تفسیری و پست مدرن، ترجمه حسن دانایی‌فرد، تهران: مؤسسه مهربان کتاب نشر، ۱۳۸۹.
۳۱. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت: دار العلم للملایین، ۱٤۱۰.
۳۲. حسنی، سیدحمیدرضا؛ علی پور، مهدی، جایگاه‌شناسی علم اصول، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم: ۱۳۸۵.
۳۳. خداپناهی، محمّدکریم، نوروسایکولوژی و سایکوفیزیولوژی، تهران: سمت، ۱۳۸۲.
۳٤. خسروپناه، عبدالحسین و همکاران، در جستجوی علوم انسانی اسلامی، قم: نشر معارف، ۱۳۹۳.
۳۵. رابینز، استیفن پی، تئوری سازمان، ساختار، طراحی و کاربردها، ترجمه مهدی الوانی و حسن دانایی فرد، تهران: انتشارات صفار، ۱۳۸۷.
۳٦. راغب‌اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار القلم، ۱٤۱۲.
۳۷. رضائیان، علی، تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم، تهران: سمت، ۱۳۷٦.
۳۸. رضائیان، علی، مبانی سازمان و مدیریت، تهران: سمت، ۱۳۹۲.
۳۹. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتب العربی، ۱٤۰۷.
٤۰. سید قطب، بن ابراهیم شاذلی، فی ظلال القرآن، بیروت: دارالشروق، ۱٤۱۲.
٤۱. شاکر، محمد کاظم، مبانی و روش‌های تفسیری، قم: نشر مصطفی، ۱۳۸۹.
٤۲. صاحب بن عباد، کافی الکفاة، اسماعیل بن عباد، المحیط فی اللغة، عالم الکتاب، بیروت: ۱٤۱٤.
٤۳. صادقی‌تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیرالقرآن بالقرآن، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳٦۵.
٤٤. صادق‌پور، ابوالفضل، اصول و مبانی سازمان و مدیریت، تهران: مؤسسه فرهنگ و اندیشه، ۱۳۸۵.
٤۵. صدر، سید محمد باقر، مقدمات فی التفسیر الموضوعی للقرآن، بیروت: دارالتوحید الاسلام، بی‌تا.
٤٦. ـــــــ، المدرسة القرآنیة، بی‌جا: مؤسسه دارالکتاب الاسلامی، ۱٤۲٤.

۴۷. ضیائی‌فر، سعید، پیش‌درآمدی بر مکتب‌شناسی فقه، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵.
۴۸. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۱۷.
۴۹. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیرالقرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۵۰. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۱۲.
۵۱. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱۴۱۶.
۵۲. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیرالقرآن، بیروت: دارالتراث العربی، بی‌تا.
۵۳. علی‌پور، مهدی، پارادایم اجتهادی دانش دینی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹.
۵۴. علیزاده، عبدالرضا؛ اژدری‌زاده، حسین؛ کافی، مجید، جامعه‌شناسی معرفت: جستاری در تبیین رابطه «ساخت و کنش اجتماعی» و «معرفت‌های بشری»، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳.
۵۵. فخررازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰.
۵۶. فدایی، فرید، مقدّمه‌ای بر نوروپیسکولوژی، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، ۱۳۷۷.
۵۷. فرس، پل، راهنمای عملی روان‌شناسی تجربی، ترجمه حمزه گنجی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۴.
۵۸. فضل‌الله سید محمد حسین، تفسیر من وحی القرآن، بیروت: دار الملاک للطباعة و النشر، ۱۴۱۹.
۵۹. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم: مؤسسه دارالهجره، ۱۴۱۴.
۶۰. قاسمی، بهروز، مدیریت رفتار سازمانی، تهران: سپاهان، ۱۳۹۰.
۶۱. قلی‌پور، رحمت الله، «شناخت‌شناسی سازمانی»، قم: مجله مجتمع آموزش عالی قم: س چهارم، ش سیزدهم، ۱۳۸۱.
۶۲. قمی‌مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
۶۳. کاسلو، ای، پلنتیگا، آلوین، پالک، جان، مفاهم بنیادین در معرفت‌شناسی، ترجمه محمد حسین زاده، تهران: زلال کوثر، ۱۳۸۳.
۶۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط- الإسلامیة)، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷.
۶۵. گائینی، ابوالفضل، درسنامه مبانی معرفت‌شناسی تئوری‌های سازمان ومدیریت، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.
۶۶. گریزری، پال، نقدی بر دانش مدیریت (پژوهش مدیریتی و دانش مدیریت)، ترجمه، محمد صائبی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹.

٦٧. لرر، کیث، نظریه معرفت، ترجمه، مهدی عبداللهی، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ١٣٩٦.
٦٨. مارتین، رابرت، معرفت‌شناسی در باب شک، شناخت و آگاه، ترجمه رحیم کوشش، تهران: سبزان، ١٣٩٥.
٦٩. مصباح‌یزدی، محمدتقی، اخلاق در قرآن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ١٣٧٦.
٧٠. ـــــ، به سوی خودسازی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ١٣٨٠.
٧١. ـــــ، راهنماشناسی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ١٣٨٣.
٧٢. ـــــ، معارف قرآن (ج ٣-١) خداشناسی، کیهان‌شناسی، انسان‌شناسی، قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ١٣٨٤.
٧٣. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت: دار الکتب العلمیة، ١٤٣٠.
٧٤. مطهری، مرتضی، جامعه و تاریخ، تهران: انتشارات صدرا، ١٣٨٤.
٧٥. ـــــ، مجموعه آثار، تهران: صدرا، ١٣٧٨.
٧٦. ـــــ، مسئله شناخت، تهران: انتشارات صدرا، ١٣٧٣.
٧٧. معرفت، محمد هادی، التفسیر الاثری الجامع، قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، ١٣٨٧.
٧٨. معلمی، حسن، نگاه به معرفت‌شناسی در فلسفه غرب، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ١٣٨٠.
٧٩. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ١٣٧٤.
٨٠. موزر، پل، درآمدی موضوعی بر معرفت‌شناسی معاصر، ترجمه رحمت الله رضایی، مرکز انتشارات مؤسسآموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم: ١٣٨٥.
٨١. مؤدب، سید رضا، روش‌های تفسیر قرآن، قم: دانشگاه قم، ١٣٦٧.
٨٢. میچل، ترنس آر، مردم در سازمان‌ها، ترجمه، حسین شُکر کُن، تهران: رشد، ١٣٨٩.
٨٣. میرزایی اهرنجانی، حسن، زمینه‌های روش‌شناختی تئوری سازمان، تهران: سمت، ١٣٨٦.
٨٤. میرزایی‌اهرنجانی، حسن؛ سرلک، محمدعلی، «نگاهی به معرفت شانسی سازمانی: سیر تحول، مکاتب و کاربردهای مدیریتی»، مجله پیک نور، شماره ١١، ١٣٨٤.
٨٥. میرصادقی، میمنت، واژه‌نامه هنر شاعری: فرهنگ تفصیلی اصلاحات فن شعر و سبک‌ها و مکتب‌های آن، تهران: نشر کتاب مهناز، ١٣٨٩.
٨٦. میرکمالی، سید محمد، فلسفه مدیریت، چاپ اول، تهران: یسطرون، ١٣٩٢.
٨٧. نوریس، کریستوفر، شناخت‌شناسی مفاهم کلیدی در فلسفه، ترجمه ناصرالدین علی نقویان، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ١٣٨٩.

۸۸. نیکواقبال، علی اکبر، «نظریه اقتضا: تأثیر متغیرهای نوعی موقعیت در ساختار سازمانی» ش ٤٥ و ٤٦، ۱۳۸۷.

۸۹. واسطی زبیدی حنفی، محب الدین سید محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ١٤١٤.

۹۰. الوانی، سید مهدی، «نقدی بر منطق عقلی جدید و آثار آن بر نظریه‌های سازمانی»، مجله دانش مدیریت، ش ٦ و ۷، ١٣٦٨.

۹۱. الوانی، مهدی، مدیریت عمومی، تهران: نشر نی، ۱۳۹۸.

۹۲. هاشمی‌رفسنجانی، اکبر و جمعی از محققان، تفسیر راهنما، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷.

Resources:

١. The Holy Quran ،Translation of the Quran, Rezaei Isfahani, Mohammad Ali et al., The first group translation of the Holy Quran, Qom: Dar al-Dhikr, ٢٠٠٥..
٢. Alipour, Mehdi, (٢٠١٠), Ijtihadi Paradigm of Religious Knowledge, Qom, Hawzah and University Research Institute.
٣. Alizadeh, Abdolreza, Azhdarizadeh, Hossein, Kafi, Majid, (٢٠٠٤), Sociology of Knowledge: A Study in Explaining the Relationship between "Social Structure and Action" and "Human Knowledge", Qom, Hawzah and University Research Institute.
٤. Alusi, Sayyed Mahmoud, (١٤١٥), The Spirit of Meanings in the Interpretation of the Grioust Quran, Beirut, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.
٥. Alwani, Mehdi, General Management, ٢٠١٩, Tehran, Ney Publishing.
٦. Alwani, Seyyed Mehdi, (١٩٨٩), "Criticism of the New Rational Logic and Its Effects on Organizational Theories", Management Science Magazine, Vol. ٦ and ٧.
٧. Amir Kabiri, Alireza, (٢٠١٥), Approaches to Organization and Management and Organizational Behavior, Tehran, Negah Danish.
٨. Argyris, C.)١٩٧٠ (, Review of Increasing Leadership Effectiveness, Contemporary Psychology, ٢٢(١٢.(
٩. Balaghi Najafi, Mohammad Jawad, (١٤٢٠), Ala' al-Rahman fir Tafsir al-Quran, Qom, Baniad Bi'that.
١٠. Baydawi, Abdullah bin Omar, (١٤١٨), Lights of Revelation and Secrets of Interpretation, Beirut, Office of Revival of Arab Heritage.
١١. Behjatpour, Abdul Karim, (٢٠١٣), Tafsir Tanzili (in Descending Order) the Basics of Principles, Rules and Benefits, Tehran, Research Institute of Islamic Culture and Thought.
١٢. Burrill, Gibson, Morgan, Garrett, (٢٠٠٤), Macrosociological Theories and Organization Analysis, Translated by Mohammad Taqi Norouzi, Qom, Imam Khomeini Educational and Research Institute.
١٣. Colin McGinn,)١٩٨٤(The Concept of Knowledge Midwest Studies in Philosophy, ٩.
١٤. Everitt, Nicholas, Fischer, Alec, (٢٠١١), A Critical Look at New Epistemology,

Translated by Hassan Abdi, Qom, Imam Khomeini Research Institute.

١٥. Fadaei, Farid, (١٩٩٨), An Introduction to Neuropsychology, Tehran, University of Welfare and Rehabilitation Sciences.

١٦. Fadlullah Seyyed Mohammad Hussein, (١٤١٩), Interpretation of the Revelation of the Quran, Beirut, Dar al Mallak for Printing and Publishing.

١٧. Fakhrazi, Mohammad bin Omar, (١٤٢٠), Keys to the Unseen, Beirut, Publications of Revival of Arab Heritage.

١٨. Fars, Paul, (١٩٨٥), Practical Guide to Experimental Psychology, Translated by Hamzeh Ganji, Mashhad, Astan Quds Razavi.

١٩. Fiyoumi, Ahmad bin Mohammad, (١٤١٤), Al-Misbah al-Munir fi Gharib al-Sharh al-Kabir of Al-Rafi'i, Qom, Dar al-Hijrah Institution.

٢٠. Gayini, Abolfazl, (٢٠١١), Textbook of Epistemological Foundations of Organization and Management Theories, Qom, Hawzah and University Research Institute.

٢١. Grizari, Pal, (٢٠١٠), A Critique of Management Science (Management Research and Management Science), Translated by Mohammad Saibi, Qom, Hawzah and University Research Institute.

٢٢. Hashemi Rafsanjani, Akbar and A Group of Scholars, (٢٠٠٨), Tafsir Rahnuma (The Exegesis of Guidance), Qom, Bustan Kitab.

٢٣. Hassani, Seyyed Hamid Reza, and Alipour, Mehdi, (٢٠٠٦), The Placeology of Fundamental Science, Qom, Qom Theological Seminary Management Center Publications.

٢٤. Ibn Ashour, Mohammad bin Tahir, (n.d.), Al-Tahrir wa al-Tanwir, Beirut, History Foundation.

٢٥. Ibn Babawayh, Mohammad bin Ali, (n.d.), Asrar Tawheed, Translation of Al-Tawheed of-Sadooq, Qom, n.p.

٢٦. Ibn Faris Abu Al-Hussein, Ahmed, (١٤٠٤), Lexicon of Arabic Language, Qom, Publications of the Islamic Preaching Office of Islamic Seminary, Qom.

٢٧. Ibn Manzoor, Mohammad bin Mukarram, (١٤١٦), Lisan Al-Arab, Beirut, Dar Sadir.

٢٨. Irannejad, Parizi, Mehdi, Sasan-Gohar, Parviz, (٢٠١١), Organization and Management from Theory to Practice, Tehran, Higher Institute of Banking

Education of Iran, Central Bank of the Islamic Republic of Iran.

٢٩. Isfahani, Hussein bin Mohammad Raghib, (١٤١٢), Vocabulary of the Quran, Beirut, Dar al-Qalam.

٣٠. Ja'fari, Mohammad Taqi, (٢٠١٩), Translation and interpretation of Nahj al-Balaghah, Qom, Islamic Culture Publishing House.

٣١. Javadi Amoli, Abdullah, (٢٠٠٢), Religious Studies, Qom, Esra.

٣٢. Javadi Amoli, Abdullah, (٢٠٠٣), Revelation and Prophethood in the Quran, Qom, Esra.

٣٣. Javadi Amoli, Abdullah, (٢٠٠٤), Monotheism in the Quran, Esra, Qom.

٣٤. Javadi Amoli, Abdullah, (٢٠٠٤), Source of Thought, Qom, Esra.

٣٥. Javadi Amoli, Abdullah, (٢٠٠٥), Epistemology in the Quran, Qom, Esra.

٣٦. Javadi Amoli, Abdullah, (٢٠٠٧), Quran in the words of Ali (A,S), Qom, Islamic Publications.

٣٧. Javadi Amoli, Abdullah, (٢٠٠٩), Tthe Flourishing of Intellect in the Light of the Hosseini Movement, Qom, Esra.

٣٨. Javadi Amoli, Abdullah, (٢٠١٠), Tafsir Tasnim, Qom, Esra.

٣٩. Javadi Amoli, Abdullah, (٢٠١٠), Woman in the Mirror of Sublimity and Beauty, Qom, Esra.

٤٠. Javadi Amoli, Abdullah, (٢٠١١), The Dignity of Reason in the Geometry of Religious Knowledge, Qom, Esra Publishing Center.

٤١. Javadi Amoli, Abdullah, (٢٠١٢), Society in the Quran, Qom, Esra Institute.

٤٢. Javadi Amoli, Abdullah, (٢٠١٨), Quran in Quran, Qom, Esra.

٤٣. Javadi Amoli, Abdullah, (٢٠٢٠), Man's Face and Character in the Quran, Qom, Esra.

٤٤. Johach, Marie, (٢٠١٠) Organization Theory; Modern, Symbolic-interpretive and Post-modern, Translated by Hassan Danaeifard, Tehran, Mehraban Institute of Publishing.

٤٥. Jowhari, Ismail bin Hammad, (١٤١٠), Al-Sihah - The Crown of Language and the Arabic Language, Beirut, Dar al-Ilm Lil Malayin.

٤٦. Kaslow, A., Plantiga, Alvin, Palak, John, (٢٠٠٤), Fundamental Concepts in Epistemology, Translated by Mohammad Hosseinzadeh, Tehran, Zulal Kausar.

٤٧. Khodapanahi, Mohammad Karim, (٢٠٠٣), Neuropsychology and

Psychophysiology, Tehran, SAMT.

٤٨. Khosrow Panah, Abdul Hossein et al., (٢٠١٤), In Search of Islamic Humanities, Qom, Ma'arif Publishing House.

٤٩. Kulayni, Mohammad bin Yaqub, (١٤٠٧), Al-Kafi (I - Al-Islamiyyah), Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyyah.

٥٠. Lehrer, Keith, (٢٠١٧), Epistemology, Translation, Mahdi Abdullahi, Tehran, Iran Research Institute of Wisdom and Philosophy.

٥١. Makarem Shirazi, Naser, (١٩٩٥), Tafsir Nemouneh (The Ideal Exegesis), Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyyah.

٥٢. Ma'rifat, Mohammad Hadi, (٢٠٠٨), The Comprehensive Narrative Interpretation, Qom, Al-Tamhid Cultural Publishing Foundation.

٥٣. Martin, Robert, (٢٠١٦), Epistemology on Doubt, Cognition and Consciousness, Translated by Rahim Surah, Tehran, Sabzan.

٥٤. Mirkamali, Seyyed Mohammad, (٢٠١٣), Philosophy of Management, First Edition, Tehran, Yasturon.

٥٥. Mirsadiqi, Maimanat, (???), Dictionary of Poetic art: A Comprehensive Dictionary of the Reforms of the Art of Poetry and Its Styles and Schools, Tehran, Mahnaz Book Publications.

٥٦. Mirzaei Ahranjani, Hassan, (٢٠٠٧), Methodological Fields of Organization Theory, Tehran, SAMT.

٥٧. Mirzai Ahranjani, Hassan, Sarlak, Mohammad Ali, (٢٠٠٥), "A Glimpse at Organizational Epistemology: Evolution, Schools and Managerial Applications", Paik Noor Magazine, No. ١١.

٥٨. Misbah Yazdi, Mohammad Taqi, (١٩٩٧), Ethics in the Quran, Qom, Imam Khomeini Educational and Research Institute.

٥٩. Misbah Yazdi, Mohammad Taqi, (٢٠٠١), Towards Self-development, Qom, Imam Khomeini Educational and Research Institute.

٦٠. Misbah Yazdi, Mohammad Taqi, (٢٠٠٤), Leader and Imamology, Qom, Imam Khomeini Educational and Research Institute.

٦١. Misbah Yazdi, Mohammad Taqi, (٢٠٠٥), Quranic Teachings (Vol. ٣-١), Theology, Cosmology, Anthropology, Qom, Imam Khomeini Educational and Research Institute Publication Center.

٦٢. Mitchell, Terence R., (٢٠١٠), People in Organizations, Translated by Hossein Shuker-kun, Tehran, Rushd.
٦٣. Moadddab, Seyyed Reza, (١٩٨٨), Methods of Quran Interpretation, Qom, Qom University.
٦٤. Moallimi, Hassan, (٢٠٠١), A Glimpse at Epistemology in Western Philosophy, Qom, Research Institute of Islamic Culture and Thought.
٦٥. Moser, Paul, (٢٠٠٦), A Thematic Approach to Contemporary Epistemology, Translated by Rahmatullah Rezaei, Imam Khomeini Educational and Research Institute Publishing Center, Qom.
٦٦. Motahhari, Mortaza, (١٩٩٤), the Problem of Knowledge, Tehran, Sadra Publications.
٦٧. Motahhari, Mortaza, (١٩٩٩), Collection of Works, Tehran, Sadra.
٦٨. Motahhari, Mortaza, (٢٠٠٥), Society and History, Tehran, Sadra Publications.
٦٩. Mustafawi, Hassan, (١٤٣٠), A Research on the Words of the Holy Quran, Beirut, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.
٧٠. Nikoiqbal, Ali Akbar, (٢٠٠٨), "Contingency Theory: The Effect of Situational Variables on Organizational Structure", Vol. ٤٥ and ٤٦.
٧١. Norris, Christopher, (٢٠١٠), Epistemology of Key Concepts in Philosophy, Translated by Nasiruddin Ali Naqawiyan, Tehran, Research Institute of Cultural and Social Studies.
٧٢. Qasimi, Behrouz, (٢٠١١), Organizational Behavior Management, Tehran, Sepahan.
٧٣. Qolipour, Rahmatullah, (٢٠٠٢), "Organizational Cognition", Qom, Qom Higher Education Complex Magazine, No. ٤, Issue ١٣.
٧٤. Qumi Mashhadi, Mohammad bin Mohammad Reza, (١٩٨٩), Interpretation of the Treasure of Comteplationss and the Ocean of Strange Things, Tehran, Organization of Printing and Publications the Ministry of Islamic Guidance.
٧٥. Rezaian, Ali, (١٩٩٧), System Analysis and Design, Tehran, SAMT.
٧٦. Rezaian, Ali, (٢٠١٣), Fundamentals of Organization and Management, Tehran, SAMT.
٧٧. Robbins, Stephen P., (٢٠٠٨), Organization Theory, Structure, Design and Applications, Translated by Mehdi Alwani and Hassan Danaeifard, Tehran, Saffar

Publications.

۷۸. Sadiq Tehrani, Mohammad, (۱۹۸٦), Al-Furqan in the interpretation of the Quran by the Quran, Qom, Islamic Culture Publications.

۷۹. Sadiqpour, Abolfazl, (۲۰۰٦), Principles and Foundations of Organization and Management, Tehran, Institute of Culture and Thought.

۸۰. Sadr, Mohammad Baqir, (۱٤۲٤), The Quranic School, N.p., Dar al-Kitab al-Islami Foundation.

۸۱. Sadr, Sayyid Mohammad Baqir, (n.d.), Introductions to the Thematic Interpretation of the Quran, Beirut, Dar al-Tawhid al-Islam.

۸۲. Sahib bin Abbad, Kafi al-Kifah, Ismail bin Abbad, Al-Muhit fi al-Lughah, Alam al-Kitab, Beirut, First, ۱٤۱٤.

۸۳. Sayyed bin Qutb, Ibn Ibrahim Shazly, (۱٤۱۲), In the Shadows of the Quran, Beirut, Dar al-Shorouk.

۸٤. Scott, Richard, (۲۰۱۳), Organizations; Rational, Natural and Open Systems, Translated by Hassan Mirzaei Ahranjani, Tehran, SAMT.

۸٥. Shakir, Mohammad Kazim, (۲۰۱۰), Basics and Methods of Interpretation, Qom, Mustafa Publications.

۸٦. Tabari Abu Jaafar Mohammad bin Jarir, (۱٤۱۲), Collector of the statement in the interpretation of the Quran, Beirut, Dar al-Ma'rifah.

۸۷. Tabarsi, Fadl bin Hassan, (۱۹۹۳), Majma' al-Bayan fi Interpretation of the Quran, Tehran, Nasir Khosrow.

۸۸. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hussain, (۱٤۱۷), Al-Mizan fi Tafsir al-Quran, Qom, Islamic Publications of Seminary Teachers.

۸۹. Tureihi, Fakhr al-Din, (۱٤۱٦), Majma' al-Bahrain, Tehran, Mortazavi Bookshop.

۹۰. Tusi, Mohammad bin Hassan, (n.d.), The Explanation in the Interpretation of the Quran, Beirut, Dar al-Turath al-Arabi.

۹۱. Wasti Zubaidi Hanafi, Mohib al-Din Seyyed Mohammad Murtada, (۱٤۱٤), Taj al-Arus min Jawahir al-Qamous, Beirut, Dar al-Fikr for Printing, Publishing and Distribution.

۹۲. Yazidi, Mahdi and Akhwan Moqaddam, Zohrah, (۲۰۱۳), "Necessity, Nature and Method of Inference from the Perspective of the Traditions of Ahl al-Bayt", Bianuual Scientific Quarterly Journal of Quran and Hadith Studies, ٦th Year, ۲nd

Issue, Series ۱۲, pp ۱۰۳-۱۲٦.

۹۳. Zamakhshari, Mahmoud, (۱٤۰۷), Al-Kashshaf an Haqaiq Ghawamiz al-Tanzil, Beirut, Dar al-Kutub al-Arabi.

۹٤. Ziaeifar, Saeed, (۲۰۱۰), A Prelude to Jurisprudence, Qom, Research Institute of Islamic Sciences and Culture.